

ساخت گفتمان‌های کنترل اجتماعی

مجلس شورای اسلامی (مقایسه روند گفتمانی

دوره‌های دوم، ششم و هفتم مجلس)

محمدجواد زاهدی، * امیر ملکی، ** پروانه دانش، *** علی میرزامحمدی ****

تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۴/۱۵

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۱۰/۲۸

شیوه‌های کنترل جرم در قالب قانونگذاری معنای محدودی از کنترل اجتماعی است که موجب ایجاد گفتمان‌هایی در دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی شده است. این گفتمان‌ها متأثر از تغییرات اجتماعی و سیاسی هستند؛ هرچند حرکت کلی گفتمان‌های کنترل اجتماعی به تدریج از دوره‌های اولیه مجلس از مفصل‌بندی عنصر مجازات به توان‌بخشی و سپس پیشگیری است با این همه رجعت و حرکت‌های عکسی نیز بنا به شرایط اجتماعی وجود دارد. در مجموع می‌توان گفتمان مجازات را از گفتمان ترمیم و گفتمان رجعت ارزشی متمایز کرد. هرچند گفتمان اصلاح‌طلبانه مجلس ششم در اساس شباهت‌هایی با گفتمان چپ‌گرای مجلس دوم دارد اما در مقایسه با آن تأکید بر مجازات را کنار گذاشته و عناصر بیشتری را درون خود مفصل‌بندی کرده است. گفتمان کنترل اجتماعی مجلس هفتم در گفت‌وگو و دیالوگی غیر هم‌زمان با آثار گفتمانی اصلاح‌طلبانه عنصر ارزش‌ها را در خود مفصل‌بندی می‌کند. در حرکت کلی گفتمان‌های کنترل اجتماعی هرچند به علت وقوع جرائم جدید جرم‌انگاری به حیات خود ادامه می‌دهد اما هم‌زمان با تخصص‌گرایی حقوقی، جرم‌زدایی نیز با تدقیق مرز بین جرم و غیر جرم و پیشگیری جان می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: کنترل اجتماعی؛ گفتمان؛ مجلس شورای اسلامی؛ قانون؛ تغییرات اجتماعی

Email: mj.zahedi-m@gmail.com

* دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران؛

Email: malekipnu@gmail.com

** دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران؛

Email: daneshpar@yahoo.com

*** استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران؛

**** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: ali.mirzamohammadi@yahoo.com

۱. مقدمه و طرح مسئله

جرم کوچک‌ترین حلقه از مفاهیم مشکل اجتماعی، ناهنجاری و انحراف تلقی می‌شود (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸۹). کج‌رفتاری، رفتاری است که با هنجارهای اجتماعی هم‌نوایی ندارد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸) و اگرچه در اکثر موارد، در قانون لحاظ نشده است، اما از طرف اجتماع با عدم تأیید و سرزنش روبه‌رو می‌شوند (نجفی ابرندی آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷). برخلاف بیشتر رفتارهای انحراف اجتماعی که با واکنش‌های رسمی و سرکوبگر مواجه نمی‌گردند (دل‌ماس مارتی، ۱۳۸۷) برای مرتکبین جرم مجازات در نظر گرفته شده است. مصادیق مفاهیم مشابه با جرم بسته به تعاریف جوامع متفاوت است. تعاریف علمای حقوق کیفری از جرم اغلب از گرایش‌های نظری مکتب‌های خاصی ملهم شده است. در قانون مجازات اسلامی، جرم تعریف نشده است، فقط در ماده (۲) قانون مجازات اسلامی در بیان اوصاف جرم آمده است: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم تلقی می‌شود». جرم را می‌توان به سه نوع اصلی کیفری، مدنی و انتظامی تقسیم کرد^۱ (www.hoghoonline.com).

جامعه برای برخورد با مجرمان (افرادی که هنجارهای مهم را رعایت نمی‌کنند) قوانینی تدوین می‌کند که خود این قوانین به هنجارهای اصلی جامعه تبدیل می‌شوند چراکه قوانین هنجارهایی هستند که دولت به وسیله نظام مجازات‌های رسمی به اجرا می‌گذارد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۱۸). قانون را می‌توان به منزله قاعده‌ای از کردار آدمی تعریف کرد که قسمت اعظم اعضای یک جامعه سیاسی معین، آن را برای همه اعضای آن جامعه الزام‌آور می‌شناسند (گولد و کولب، ۱۳۸۳). بر این اساس قانونگذاری فرایند وضع

۱. جرم کیفری هر فعلی است که به موجب قوانین کیفری انجام دادن و یا ترک آن با مجازات مقرر توأم باشد، مانند قتل، کلاهبرداری، سرقت و غیره از حیث عنصر قانونی جرم کیفری بنا به اصل قانونی بودن جرائم، فعل خاصی است که در قانون تصریح شده است و از حیث عنصر مادی جرم کیفری ممکن است مستقل از زیان و خسارت‌های مادی تحقق یابد. در مقابل جرم مدنی به فعلی اطلاق می‌شود که من غیر حق، زبانی به دیگری وارد و فاعل را به جبران آن ملزم کند و ممکن است نص خاصی در قانون نداشته باشد. اما جرم انتظامی نقض مقررات صنفی یا گروهی است که اشخاص به تبع عضویت در گروه آن را پذیرفته‌اند.

مقرراتی است که درباره اشخاصی که در مورد آنها مقررات مزبور قابل اجراست لازم‌الاتباع شمرده می‌شود یا قوانینی است که از این فرایند حاصل می‌شوند (همان: ۶۵۳). قانونگذاری در این راستا بخشی از فرایند کنترل اجتماعی است. هرچند منظور ادوارد. آ. راس از کنترل اجتماعی به‌عنوان «تمام فرایندهایی است که افراد را به هم‌نویی با هنجارها و ارزش‌های جامعه وامی‌دارد» (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۴۹) برداشتی بسیار کلی و مبهم و دشوار در کاربردهای تجربی است، اما تعریف محدود مورد پذیرش عموم جرم‌شناسان و برخی جامعه‌شناسان در این مورد «مجموعه واکنش‌های اجتماعی سازمان یافته در برابر کجروی است» (همان: ۴۵۱).

نظام کنترل اجتماعی هر جامعه‌ای متأثر از تغییرات اجتماعی آن است. این تغییرات، تحول و دگرگونی قوانین را برای تناسب بیشتر ضروری می‌کند. ظهور انقلاب اسلامی یکی از تغییرات مهم جامعه ایران بود. این انقلاب با تغییر ارزش‌های جامعه به نوعی، انقلابی در نظام کنترل اجتماعی نیز محسوب می‌شد چراکه تغییراتی را در تعریف جرم، مصادیق آن، مرز جرائم، نحوه برخورد با مجرمان و جرم، اصلاح نهادهای کنترل اجتماعی و عاملان اجرایی آنها ایجاد کرد. تغییراتی که از همان ابتدا جناح‌های مختلف سیاسی کشور جبهه‌گیری‌های متفاوتی را درباره آنها اتخاذ نموده و با ایجاد فضای گفتمانی منتقدانه راه را به واسطه فراهم شدن شرایط اجتماعی و سیاسی جدید برای تغییرات قوانین کنترل اجتماعی در دهه‌های آینده هموار کردند.

خارج از مبحث تغییرات انقلابی، در دوره ثبات نظام نیز همیشه رفتارهای جدیدی شکل می‌گیرند که از نظر برخی ذی‌نفوذان، نظم اجتماعی را به هم می‌ریزند؛ به این جهت آن را به‌عنوان جرم برساخت می‌کنند. ذی‌نفوذان پس از برساخت جرائم در سه نوع اصلی کیفری، مدنی و انتظامی سعی می‌کنند سیاستگذاران را متقاعد کنند تا برای کنترل آنها، قوانینی را تدوین کنند و به این شیوه سیاست‌جنایی یک جامعه شکل می‌گیرد. چالش‌برانگیز بودن ذاتی مبحث کنترل اجتماعی ریشه در این مطلب دارد که کنترل اجتماعی به واسطه دو اهرم اجبار و اقتناع نیازمند وادار کردن افراد به پذیرش هنجارهای اجتماعی است. در حوزه

سیاست‌گذاری تقنین نیز این مبحث نیازمند به کرسی نشاندن و اثبات کارگشا بودن آنها توسط سیاست‌گذاران و فعالان کنترل اجتماعی است؛ مسئله‌ای همیشه چالش‌برانگیز که موتور گفتمان‌های کنترل اجتماعی نیز محسوب می‌شود.

گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن (یا فهم یکی از وجوه آن) است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۸) و از این نظر با گفت‌وگو، مجادله، گفتار و نظایر آن متفاوت است. بر این اساس گفتمان‌های کنترل اجتماعی، شیوه‌های خاصی را بیان می‌کنند که برای سخن گفتن درباره کنترل جرم در جامعه به کار گرفته می‌شود. می‌توان ادعا کرد که شناسایی گفتمان‌های کنترل اجتماعی را نخستین بار فوکو در کتاب *انضباط و مجازات* (۱۹۷۹)^۱ با شجره‌شناسی قدرت و دلالت «قدرت و دانش مستقیماً» بر یکدیگر انجام داده است (Foucault, 1979: 27). در این کتاب، برخلاف نظر همگانی، فوکو چرخش و دگرگونی بی‌قاعده از شکنجه زندانیان را به نظارت به‌وسیله مقررات زندانبانی مبتنی بر یک الگوی نظامی و متشکل از قدرت‌های خرد (تکنولوژی نوین اعمال قدرت انضباطی) نشانگر برخورد انسانی‌تر با بزهکاران نمی‌داند بلکه معتقد به شکل‌گیری خصلت معقولانه‌تر مجازات و به کارگیری روش معقول اقتصاد قدرت است (Ibid.: 13, 26, 27, 79). در این راستا، نخستین ابزار، مشاهده مبتنی بر سلسله‌مراتب، یا توانایی کارگزاران قدرت در اعمال نظارت بر حوزه قدرتشان با یک نگاه است. دوم، توانایی اعمال داورهای هنجاربخش و مجازات‌کسانی است که هنجارها را رعایت نمی‌کنند. از این رو، یک شخص را می‌توان از جهت زمانی، فعالیت و رفتار، مورد قضاوت منفی و مجازات قرار داد. سومین ابزار، کاربرد روش تفتیش و اعمال داورهای هنجاربخش در مورد مردم است. فوکو «فراگرد خزنده‌ای» در قالب نوعی تحول نظام زندانبانی تشخیص می‌دهد که در آن، انضباط «از نهاد جزایی به سراسر هیئت اجتماعی» انتقال می‌یابد (Ibid.: 298). گذار از شکنجه به مقررات زندان، چرخشی را از مجازات بدنی به مجازات روح یا اراده و ملاحظات هنجارمندی و اخلاق را نشان می‌دهد (Ibid.: 216).

۱. در تدوین مطالب این بخش از منبع زیر استفاده شده است: جورج ریترز (۱۳۸۳)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، صص ۵۵۵-۵۶۶.

با رویکرد فوکویبی پایه «انواع نظام‌های حقوقی - علمی» و قانونگذاری در حوزه کنترل اجتماعی را می‌توان ادامه همان نظام انضباط و مجازات تلقی کرد. بر این اساس نظام قوانین کنترل اجتماعی مجلس می‌تواند قدرت را با نفوذ عمیق‌تری در بدنه اجتماع اعمال کند چراکه این نظام نوعی تکنولوژی نوین اعمال قدرت مجازات است که دیوانسالانه‌تر، کارآمدتر، غیرشخصی‌تر، تغییرناپذیرتر و سنجیده‌تر است و نه تنها بزهکاران بلکه سراسر جامعه را تحت نظارت خود دارد. با ترجمه رویکرد فوکویبی به زبان گفتمان می‌توان از چرخش نظام کنترل اجتماعی از گفتمان «شکنجه مبتنی بر مجازات بدنی» به «گفتمان» مقررات زندان مبتنی بر مجازات اراده و روح» سخن راند. فوکو در دلایل این چرخش گفتمانی به اقتصاد قدرت اشاره دارد. همان‌گونه که نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد «اقتصاد قدرت» یکی از عوامل اصلی چرخش گفتمان‌های کنترل اجتماعی مجلس است.

این نگرانی به مسئله کنترل در دیدگاه اندیشمندان دیگر از جمله ویرلیو و فیتز پاتریک به نوعی دیگر بازتاب دارد. ویرلیو دو شیوه کنترل درونی و بیرونی را با طرح کلید واژه مستعمره شدن درون و تکنولوژی مجازی از همدیگر متمایز می‌کند (ریتزر، ۱۳۸۹: ۴۳۴-۴۳۳). فیتز پاتریک نیز متأثر از رویکرد فوکویبی، کنترل اجتماعی، نظارت اجتماعی و رفاه اجتماعی را در جوامع کنونی مفاهیمی درهم تنیده می‌داند که تشخیص آنها از یکدیگر هر لحظه دشوارتر می‌شود (فیتز پاتریک، ۱۳۸۱: ۳۸۵-۳۸۲). او با اشاره به نظریه‌های اندیشمندان معاصر مانند باومن، دو مفهوم دیوار مادی و دیوار مجازی را شالوده‌ای برای جداسازی ثروتمندان از فقرا در قالب نظام کنترل اجتماعی معرفی می‌کند (همان: ۳۸۳).

موضوع تحلیل گفتمان در این پژوهش درگیری‌های هژمونیک در شکل‌گیری سیاست جنایی تقنین در مجلس شورای اسلامی و مسئله اصلی آن شناسایی و تحلیل شیوه‌های خاصی است که نمایندگان مجلس برای سخن گفتن درباره کنترل جرم در جامعه در قالب تصویب یا رد قوانین پیشنهادی به کار می‌گیرند. این شیوه خاص سخن گفتن درباره کنترل جرم با تغییرات اجتماعی و سیاسی جامعه متحول و به تبع آن موجب تغییر

قوانین می‌شود. هدف از تحلیل گفتمان، پژوهش انتقادی است، یعنی کندوکاو و تجزیه و تحلیل مناسبات قدرت در جامعه و صورت‌بندی دیدگاه‌های هنجاری که از منظر آن بتوان با نیم‌نگاهی به امکان تغییر اجتماعی این روابط را نقد کرد. این هدف در فرایند مذاکرات لوایح و طرح‌های مجلس به‌ویژه حوزه کنترل اجتماعی، بیشتر از سایر عرصه‌ها به چشم می‌خورد زیرا تصویب قوانین کنترل اجتماعی تأثیر تعیین‌کننده‌ای در شکل و محتوای مناسبات، روابط و تعاملات اجتماعی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، حقوقی، جغرافیایی، اقتصادی و حتی بین‌المللی دارد.

اهمیت کنترل اجتماعی از ارتباط بسیار زیاد آن با سیاستگذاری اجتماعی نیز منشأ می‌گیرد. هر چند مبحث کنترل اجتماعی بخشی از سیاستگذاری اجتماعی شناخته نمی‌شود اما شواهد زیادی درخصوص سنتزی در حال ظهور بین این دو موضوع وجود دارد (دین، ۱۳۸۸: ۱۷۵-۱۷۴). پژوهش ما درباره گفتمان‌های منشأ گرفته از قوانین کنترل اجتماعی مجلس نیز نمونه‌ای از این سنتز است. هارتلی دین دلایلی را برای چنین سنتزی ذکر می‌کند: نخست، موضوع سلامت اجتماع برای رفاه انسان حیاتی است. نظام عدالت کیفری، نقش مهمی در تأمین محیط محلی منسجم برای زندگی دارد. براساس گزارش مورگان استراتژی‌های جلوگیری از جرم و کاهش جرم باید درون یک چارچوب کلان سیاستگذاری اجتماعی و مبتنی بر همکاری سازمان‌های خدمات محلی متعدد در نظر گرفته شود (همان: ۱۷۵). بر این اساس سیاستگذاری تقنین مجلس در حوزه کنترل اجتماعی نیز می‌تواند استراتژی‌های جلوگیری از جرم و کاهش جرم را در یک چارچوب کلان سیاستگذاری اجتماعی در نظر بگیرد. در این سیاستگذاری، چرخشی در استفاده از نیروهای محلی به چشم می‌خورد که نمونه بارز آن تشکیل شوراهای حل اختلاف است. دلیل دوم این است که سیاستگذاری اجتماعی و «جرم‌شناسی» در توسعه فهم نظری مشترک درباره آثار انضباطی فرایندهای مدیریتی و تغییرات جاری در سیاست‌های اجتماعی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. تحلیل‌های پساساختارگرایانه بر این باورند که نظام‌های عدالت کیفری و نظام‌های رفاهی به‌طور برابر، در توسعه تکنیک‌های انضباطی که بر جوامع مدرن حاکم هستند، نقش دارند

(Focault, 1977; Garland, 1985). سیاست‌های جزایی همانند سیاست‌گذاری اجتماعی، با فشار برای تغییر روبه‌رو بوده است (Garland, 2001). برای مثال در آمریکا و انگلیس، از دهه ۱۹۷۰ به بعد، نوعی بحران بروز کرده است؛ وقوع جرائم ثبت شده، رو به افزایش بود و زندان و دیگر مجازات‌های جایگزین بی‌اثر به نظر می‌رسید. واکنش‌های سیاستی پوپولیستی پدیده‌ای را دربرداشت که دیوید گارلند (۲۰۰۱) آن را «فرهنگ کنترل» می‌نامد. رویکرد جدید، از یک طرف بر تنظیم مقررات سخت‌گیرانه‌تر برای فشار بر مجرمان - اما به همراه روش‌های نوین پلیسی - مبتنی بر عدم تساهل در مقابل حتی جرائم کوچک همچون گدایی و رفتار اجتماعی تأکید دارد (دین، ۱۳۸۸: ۱۷۶). پژوهش ما نیز نشان می‌دهد که سیاست‌های جزایی و کنترل اجتماعی رسمی در ایران بعد از جنگ و به‌ویژه در دهه اصلاحات با فشار برای تغییر روبه‌رو بوده است. بخشی از این فشار در مقاطع زمانی مختلف اما کوتاه، سیاسی و بخش دیگر در درازمدت، اجتماعی بوده است. این فشار از طریق حلقه اتصال مباحث کنترل اجتماعی با سیاست‌گذاری اجتماعی یعنی مجلس تأثیر خود را در عرصه تقنین نشان می‌دهد. پارلمان یا مجلس مهم‌ترین نهاد بر ساخت قوانین در بسیاری از کشورها از جمله ایران است اما بر ساخت قوانین فرایندی آنی نیست. قوانین پیشنهادی مجلس به دو شکل لایحه و طرح به مجلس ارائه می‌شوند و برای تصویب یا رد آنها موافقان و مخالفان به مباحثه می‌پردازند. این مباحثات شالوده گفتمان‌های مجلس را شکل می‌دهند.

قیاس دوره‌های مختلف مجلس براساس بینش کرونولوژی (زمان‌شناسی) بر این پیش‌فرض اولیه استوار است که آهنگ تحول دائمی قوانین در دوره‌های مختلف یکی نیست (لوی برول، ۱۳۸۴: ۱۲۰). رصد دغدغه‌های مجالس دوم، ششم و هفتم در بسته‌های فکری مشخص‌تری به نام گفتمان‌های کنترل اجتماعی در این پژوهش انتخاب شده است چون از نظر زمانی این سه دوره نقاط عطف تاریخی - اجتماعی محسوب می‌شوند. کاری که به انتخاب مسیر آینده گفتمان‌ها و حل چالش‌های احتمالی آنها برای کاستن از هزینه‌های اجتماعی و اقتصاد قدرت راهگشا خواهد بود. با بررسی روند قانونگذاری دوره‌های دوم، ششم و هفتم مجلس می‌توانیم تمایز این سه دوره را از نظر نوع تأکید، شیوه سیاست‌گذاری تقنین و

اهمیت آنها مقایسه کنیم. تحلیل گفتمان انتقادی نیز به ما کمک می‌کند تا بر ساخت قوانین را بر اساس متن و شرایط جامعه در زمان تصویب درک کنیم. سؤال محوری ما این است: در دوره‌های دوم، ششم و هفتم مجلس چه تفاوت‌هایی در گفتمان‌های کنترل اجتماعی مشاهده می‌شود؟

۲. رویکرد نظری

پژوهش ما به نوعی پژوهش چنددیدگاهی است که بر اساس پیشنهاد یورگنسن و فیلیپس در تلفیق دو رویکرد تحلیل گفتمان لاکلو و موف و فرکلایف انجام شده است. در مقایسه گفتمان‌های دوره‌های زمانی (مجلس دوم، ششم و هفتم) از نظریه جاگر در تأکید بر تاریخ، حال و آینده شاخه‌های گفتمان در راستای نظر فوکو بر انجام یک دیرینه‌شناسی دانش یا تبارشناسی الهام گرفته‌ایم. رویکرد انتخابی امکان استفاده از نظریه‌های خارج از تحلیل گفتمان را فراهم می‌کند. نظریه‌های اجتماعی درباره کنترل اجتماعی در چارچوب تحلیل گفتمان گنجانده شده‌اند تا به این وسیله شناختی از پراکنش اجتماعی و نیز سرنخی برای تحلیل به دست آوریم. این نظریه‌ها پس از فرایند ترجمه به منظور سازگاری پیدا کردن با چارچوب تحلیل گفتمان در آن گنجانده شدند. منظور از استعاره «ترجمه» در اینجا فرایند استحاله از یک گفتمان تحلیلی (نظریه اجتماعی) به گفتمان دیگر (تحلیل گفتمان) است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۵۷).

البته در حوزه تحلیل گفتمان به واسطه غنای نظری می‌توان به نظریه‌های دیگری نیز مانند نظریه تئو ون دایک (ون دایک، ۱۳۸۲)، رهیافت گفتمانی تاریخی روث و داک (سلطانی، ۱۳۸۴)، روان‌شناسی گفتمانی (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹)، رهیافت شبکه‌ای نظام‌بخش زیگفرد جاگر (Jager, 2001: 32-62) اشاره کرد. این نظریه‌ها هر کدام در حوزه‌های خاصی قابلیت کاربرد دارند. با توجه به رویکرد اتخاذی قبل از تشریح گفتمان یورگنسن و فیلیپس خود نظریه نظریه‌های لاکلو و موف و فرکلایف که یورگنسن و فیلیپس پژوهشگران را به تلفیق آنها دعوت می‌کنند می‌پردازیم.

۱-۲. نظریه گفتمان ارنستو لاکلو و شانتال موف

لاکلو و موف نظریه‌شان را از طریق واسازی سایر نظریه‌ها یعنی تلفیق و اصلاح دو سنت نظری عمده یعنی مارکسیسم (نقطه شروعی برای اندیشیدن راجع به امر اجتماعی) و ساختارگرایی (نظریه‌ای درباره معنا) در قالب یک نظریه پسا ساختارگرا با ترجمه مفاهیم نظری خاص خود تدوین کرده‌اند (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۵۴ و Laclau and Mouffe, 1985). مفاهیم اصلی این نظریه در زیر تشریح شده است:

دال و مدلول: دال‌ها، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند. در میان تمامی دال‌های یک گفتمان به شخص، نماد، یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند «دال مرکزی»^۱ می‌گویند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت دارد، مدلول نامیده می‌شود. دال شناور (غیر ثابت) مدلول‌های متعددی دارد و گروه‌های مختلف سیاسی برای انتساب مدلول مورد نظر خود با آن، باهم رقابت می‌کنند.

عناصر و دقایق: عناصر نشانه‌هایی هستند که معنایشان هنوز تثبیت نشده است اما دقایق عناصری هستند که معنایشان در گفتمان و توسط مفصل‌بندی گفتمان تثبیت شده است. به اصطلاح لاکلا و موفه گفتمان یک انجماد، یعنی توقف موقتی برای سیالیت معنای نشانه‌ها ایجاد می‌کند. اما این انجماد هرگز قطعی نیست؛ به عبارت دیگر گذر از عناصر به دقیقه‌ها هرگز تکمیل نمی‌شود (Laclau and Mouffe, 1985: 110).

مفصل‌بندی: کنشی که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، دال‌ها، نمادها و ... چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آنها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند، مفصل‌بندی نامیده می‌شود (تاجیک، ۱۳۸۴: ۴۶).

ضدیت،^۲ غیریت^۳: به علت مشروط بودن هویت گفتمان‌ها به وجود غیر، آنها برای کسب هویت، همواره با «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» غیریت‌سازی می‌کنند. در عرصه منازعات

1. Nodal Point
2. Antagonism
3. Otherness

گفتمانی، حاشیه‌رانی با کم‌رنگ نمودن نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و هژمونی یک گفتمان است (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۷).

منطق تفاوت / منطق هم‌ارزی^۲: گفتمان‌ها به وسیله ایجاد یک زنجیره هم‌ارزی پیوسته در تلاش هستند با پنهان کردن تفاوت‌های موجود جامعه را یکدست نشان بدهند. اما این کار همیشه موقتی است (Smith, 1998: 89) چراکه منطق تفاوت می‌کوشد از راه تأکید بر تفاوت‌ها و تنوعات و به تبع آن اختلافات موجود در عرصه اجتماعی «زنجیره هم‌ارزی» موجود را به هم بریزد.

هژمونی / تزلزل^۳: اگر بر سر معنایی خاص برای یک دال در جامعه اجماع حاصل شود، آن دال هژمونیک می‌شود. از دیدگاه نظریه لاکلا و موفه چهار عامل عاملان سیاسی، اعتبار، در دسترس بودن، طرد و برجسته‌سازی از عوامل هژمونی گفتمان هستند. اما هژمونی در تمام گفتمان‌ها موقتی است (حسین‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۰) زیرا گفتمان‌ها به وسیله گفتمان‌های رقیب و بحران‌های اجتماعی متزلزل و زمینه برای جانشینی آنها فراهم می‌شود.

موقعیت سوژه‌ای^۴ و سوژگی سیاسی^۵: هنگامی که سوژه در چارچوب یک مفصل‌بندی هژمونیک قرار گرفت، در آن مضمحل و آزادی عملش محدود شده و گفتمان، جایگاه و الگوی عمل وی را معین می‌کند. اما در حالت «سوژگی سیاسی» بر اثر بی‌قراری‌های اجتماعی، موقعیت گفتمان متزلزل شده و سوژه آزادی عمل می‌یابد تا به‌عنوان یک «کارگزار» یا «عامل سیاسی» دست به فعالیت بزند؛ گفتمان هژمون را به چالش بطلبد و نظم مورد نظر خویش را بر جامعه مسلط سازد.

گروه‌بندی و گروه‌های گفتمانی: در گروه‌بندی گفتمانی به‌عنوان یک عمل سیاسی، غیرخودی‌ها طرد و تفاوت میان اعضای گروه و تمامی شکل‌های دیگری که می‌توان گروه‌بندی را نیز براساس آنها انجام داد نادیده گرفته می‌شوند (یورگسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۸۵). وقتی

1. Logic of Difference
 2. Logic of Equivalence
 3. Dislocation
 4. Subject Positions
 5. Political Subjectivity

در جریان گفتمان افرادی به نیابت و به نمایندگی از آنها سخن می‌گویند گروه‌های گفتمانی به وجود می‌آید (همان: ۸۷).

۲-۲. تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

فرکلاف برخلاف لاکلو و موف اصطلاح گفتمان را به نظام‌های نشانه‌ای از قبیل زبان و تصویر (و در معنای فنی خود به مجموعه‌ای بی‌طرف از ابزارهای متدولوژیک برای تحلیل آواها، نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، مباحثات و ...) محدود می‌کند (Fairclough, 1989: 12). گفتمان با کمک به برساختن هویت‌های اجتماعی، روابط اجتماعی و نظام‌های دانش و معنا، سه کارکرد هویتی، رابطه‌ای و فکری دارد. در هر تحلیلی دو بعد از گفتمان از اهمیتی محوری برخوردارند: رخداد ارتباطی و نظم گفتمانی (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۱۱۹). به اعتقاد فرکلاف، بین ساختارهای خرد گفتمان (ویژگی‌های زبان‌شناختی) و ساختارهای کلان جامعه (ایدئولوژی و ساختارهای اجتماعی) رابطه دیالکتیکی وجود دارد. در این خصوص گرچه ممکن است ساختارهای کلان جامعه، ساختارهای خرد گفتمان را تعیین کند، ولی ساختارهای گفتمانی نیز به نوبه خود ساختارهای ایدئولوژیک و گفتمانی را دوباره تولید می‌کنند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۰). فرکلاف در رویکردی فوکویی به تحلیل گفتمان، معتقد است تحلیل گفتمان به بررسی مشکلات اجتماعی می‌پردازد. وی بر این باور است که تحلیل گفتمان امری تفسیری و تبیینی و نوعی تحلیل ایدئولوژیک از متون است. «از نظر او تنها توصیف، برای تحلیل گفتمان کافی نیست و باید از سطح توصیف به سطح تبیین رسید» (همان: ۱۵۸).

در مدل سه‌بعدی فرکلاف متن، پرکتیس گفتمانی و پرکتیس اجتماعی بررسی می‌شود. به نظر فرکلاف همه خصایص متنی برای تحلیل گفتمان مهم نیستند و در میان این خصایص برحسب هدف، موضوع و سؤالات تحقیق باید دست به‌گزینش زد. فرکلاف برای تحلیل متن بر مواردی مانند کنترل تعاملی، گرامر، واژه‌پردازی، استعاره تأکید دارد. بعد پرکتیس گفتمانی در بردارنده فرایندهای تولید، توزیع و مصرف متون است. در مطالعه

پرکتیس گفتمانی ابعادی چون بینامتنیت، زنجیره بینامتنی، انسجام، شرایط پرکتیس اجتماعی، بیناگفتمانیت آشکار بررسی می‌شود. فرکلاف بعد پرکتیس اجتماعی را «تبیین یا تحلیل اجتماعی» می‌نامد و در آن گفتمان را در درون برداشتی از قدرت به‌عنوان هژمونی و برداشتی از بسط روابط قدرت به‌عنوان مبارزه هژمونیک قرار می‌دهد. در این قسمت باید بافت اجتماعی و نظم گفتمان را مدنظر قرار داد (قجری، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

۲-۳. نظریه گفتمان یورگنسن و فیلیپس

یورگنسن و فیلیپس از شارحان معروف تحلیل گفتمان پس از تشریح رویکردهای مختلف، رویکرد تلفیقی خود را با اولویت مفهوم «نظم گفتمانی» فرکلاف ارائه می‌دهند. بر این اساس نخست رابطه میان ساختار، پرکتیس و تغییر و سپس تمایز میان «گفتمان» و «نظم گفتمانی» مطرح می‌شود. آنها گفتمان را به‌مثابه ساختار و عمل و نظم گفتمانی را مفهومی دال بر وجود گفتمان‌های مختلف می‌دانند که تا حدودی قلمرو واحدی را تحت پوشش دارند، قلمروی که هر کدام از گفتمان‌ها برای پر کردن آن با معانی مورد نظرش با دیگران رقابت می‌کند (همان: ۲۳۰). از دیدگاه آنها برخلاف حوزه‌هایی که در آنها همه گفتمان‌ها پیش‌فرض‌های عقل سلیمی مشترکی دارند در حوزه‌هایی که گفتمان‌های مختلفی بر سر تثبیت معنا با یکدیگر رقابت دارند آمادگی بیشتری برای تغییر وجود دارد (همان: ۲۳۱). براساس مفهوم نظم گفتمان می‌توان نحوه توزیع گفتمان‌ها را در قلمرو مورد بررسی، و نابرابری در توزیع دسترسی به گفتمان‌های مختلف درون آن نظم گفتمانی را بررسی کرد. آنها از این نابرابری‌ها در توزیع و دسترسی به گفتمان‌ها برای این بهره می‌گیرند که چرا در موقعیت‌های خاص افراد از بعضی گفتمان‌ها به جای برخی دیگر استفاده می‌کنند (همان).

در مرحله بعد آنها رابطه میان نظم‌های گفتمان مختلف را با استفاده از مفهوم میان‌گفتمانی فرکلاف بررسی می‌کنند. آنها معتقدند در ارتباط بین نظم‌های گفتمانی مختلف تغییر رخ می‌دهد (همان). آنها تحدید مرزهای گفتمان را به نحوی استراتژیک تابع هدف‌های تحقیق می‌دانند (همان: ۲۳۳). بر این اساس آنها گفتمان‌ها را به‌عنوان

مفاهیمی عمدتاً تحلیلی و الگوهای معنایی درون نظم گفتمان تلقی می‌کنند (همان).^۱

۳. روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله تحلیل گفتمان براساس اسناد موجود است و تلاش دارد تا با کنکاش در مذاکرات مجلس شورای اسلامی در دوره‌های مختلف گفتمان‌های کنترل اجتماعی حاکم و تغییرات آنها را شناسایی کند. در تحلیل گفتمان نظریه و روش به یکدیگر پیوند خورده‌اند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۱). با وجود این پیوند، یورگنسن و فیلیپس دو تن از شارحان معروف تحلیل گفتمان، روش تحقیق تحلیل گفتمان را «برساخت‌گرایی اجتماعی انتقادی» می‌نامند (همان: ۲۸۳). تحقیق بر ساخت‌گرایی اجتماعی، از جمله تحلیل گفتمان به ناگزیر انتقادی است و باید باشد (همان: ۲۸۵).

رویکردهای مختلفی با پیش‌فرض‌های هستی‌شناسی یا معرفت‌شناسی مختلف و گاه متضاد در تحلیل گفتمان وجود دارد که مطابق پیشنهاد یورگنسن و فیلیپس می‌توان آنها را تلفیق کرد ولی در این کار باید به سه مسئله اصلی چشم‌اندازباوری،^۲ سازگاری^۳ و ترجمه توجه کرد (همان: ۲۵۴-۲۵۰). با توجه به موضوع این پژوهش برای تجزیه و تحلیل متون پس از تدوین چارچوب تحلیل گفتمان، ترجمه و گنجاندن نظریه کنترل اجتماعی در آن با در نظر گرفتن پژوهش‌ها و تحقیقات مشابه و با توجه به شرایط خاص این تحقیق، به بررسی مضمونی و محتوایی و در برخی موارد و بنا به ضرورت، الگوهای زبان‌شناختی به کار رفته در متون نیز مورد تحلیل قرار گرفت. بنابر تصریح برخی پژوهشگران، در یک تحقیق با چنین ابعاد و حجمی (مذاکرات نزدیک به ۱۵۰ طرح و لایحه) هیچ ضرورتی برای ارائه متون مورد بررسی در گزارش تحقیق وجود ندارد (Gee, 2000: 96).

روش عملی تحلیل به ترتیب زیر انجام شده است: ابتدا لایحه یا طرح با مضمون اصلی،

۱. به علت محدودیت حجم مقاله مطالب بخش نظری تحلیل گفتمان بسیار خلاصه آمده است. بحث بیشتر در این مجال نمی‌گنجد. از این رو برای آشنایی بیشتر می‌توانید به منابع بخش پایانی مقاله مراجعه کنید.

2. Perspectivism

3. Compatibility

تاریخ و دوره ارائه آن بررسی و سپس استدلال‌های مخالفان و موافقان به همان ترتیب مباحثات بررسی شده است. این استدلال‌ها به شکل نظام‌مند آیت‌بندی و سپس دسته‌بندی و روابط آنها با یکدیگر بازسازی شد. شبکه روابط بین استدلال‌های هر گروه در قالب یک الگوی زبانی را گفتمان نامیدیم. برای شناسایی این الگوی زبانی جدولی طراحی شد که روشی مدون، معتبر و قابل ارزیابی را با توجه به تحلیل‌های انجام شده مشابه و با توجه به ساختار و محتوای تحلیل پیش روی ما قرار می‌داد. ابداع این جداول ضمن رعایت حداکثری اصول فرکلافی تحلیل، به ما امکان استفاده از استراتژی مقایسه را نیز می‌دهد که مورد تأکید روش یورگنسن و فیلیپس می‌باشد.

پس از شناسایی گفتمان‌ها با رویکرد فرکلافی با استفاده از رویکرد لاکلا و موفه شیوه مفصل‌بندی عناصر گفتمان‌ها را حول نقطه کانونی آنها یعنی کنترل جرم بررسی کردیم. در این مراحل روابط بین گفتمان‌های مختلف بررسی و علت غلبه گفتمان براساس متن، پرکتیس گفتمانی و پرکتیس اجتماعی آن ذکر شده است و به این طریق در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت و نهادها قرار داده شده‌اند.

یورگنسن و فیلیپس در تحلیل گفتمان چهار استراتژی مقایسه، تعویض، بزرگنمایی جزئیات و چندصدایی بودن را معرفی می‌کنند که تحلیلگر می‌تواند عمل تحلیل را با هر کدام از آنها شروع و حتی میان آنها رفت و آمد کند و لازم نیست که از تمامی آنها استفاده کند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۴۸). استراتژی اصلی مورد استفاده ما در این پژوهش مقایسه هم‌زمانی (شناسایی و تمایز گفتمان) و مقایسه غیرهم‌زمانی (شناسایی تغییر گفتمان‌ها در طول دوره زمانی) است.

۴. متون مورد بررسی و قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی، موضوعی)

متن قابل جست‌وجوی مشروح مذاکرات مجالس شورای ملی و اسلامی در یک لوح با نام لوح مشروح توسط کتابخانه موزه اسناد مجلس شورای اسلامی و با تلاش مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی آماده شده است. لوایح و طرح‌های مورد بررسی از این لوح

استخراج شده و تحلیل روی آنها انجام شده است. با توجه به حجم زیاد قوانین کنترل اجتماعی مجلس مذاکرات سه دوره مجلس شورای اسلامی (دوره‌های دوم، ششم و هفتم) را برای مطالعه گزینش کردیم. برای نشان دادن تأثیر تغییر گرایش‌های سیاسی بر گفتمان‌های کنترل اجتماعی، مجالس ششم و هفتم انتخاب شده است. برای بررسی تأثیرات دیالکتیک تغییرات اجتماعی و گفتمان‌های کنترل اجتماعی مجلس نیازمند دوره‌هایی با فاصله زمانی بیشتر هستیم که بهترین انتخاب مجلس دوم در مقایسه با مجالس ششم و هفتم بود.

۱-۴. جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری، مذاکرات مجلس دوم، ششم و هفتم درباره لوایح و طرح‌های پیشنهادی است که ارتباط بیشتری با کنترل اجتماعی دارند. با توجه به کیفی بودن تحقیق از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شده است.

۲-۴. اعتبار

در تحلیل گفتمان و به‌طور کلی بر ساخت‌گرایی اجتماعی پیش‌فرض پوزیتیویستی بازتاب واقعیت بدون سوگیری مردود است، اما درعین حال بر سر اینکه از چه معیارهایی باید استفاده کرد اجماعی وجود ندارد (همان: ۲۷۷). پاتر و وترل دو معیار انسجام و سودمندی را معرفی کرده‌اند. اما کارن تریسی معیار اضافی کمک به طرح مشکل را پیش می‌کشد که براساس آن تحقیق باید مستقیماً برای افراد شرکت‌کننده در تحقیق (یا به‌عبارت‌دیگر افراد مورد بررسی) سودمند باشد و به آنها کمک کند تا در کنش‌هایشان تأمل و بازاندیشی کنند. یورگنسن و فیلیپس سه معیار برای اعتبار معرفی می‌کنند: محکم و استخوان‌دار بودن تحلیل، جامعیت تحلیل و شفافیت تحلیل (همان: ۲۸۰). با این همه یادآور می‌شوند مهم‌ترین معیار عبارت است از مشخص کردن و پیروی کردن از آن معیار اعتبار که به آن اعتقاد دارید تا امکان نقد درونی آن فراهم شود. البته آنها معتقدند پرونده تحقیق با نقد درونی بسته نمی‌شود و نیاز به نقد بیرونی نیز وجود دارد (همان: ۲۸۱-۲۸۰). در جدول زیر

معیارهایی که ما براساس آنها تحقیق را به انجام رسانده‌ایم خلاصه شده است.

جدول ۱. معیارهای اعتبار در تحقیق و انطباق آن با پژوهش

معیارهای اعتبار	انطباق معیار با پژوهش
سازگاری	تلاش برای گنجانیدن حقایق متضاد در یک قالب واحد
سودمندی	کمک به حل چالش‌های کنترل اجتماعی در حوزه قانونگذاری سودمندی تحقیق برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی، سیاستگذاران اجتماعی، احزاب سیاسی و ...
استحکام تحلیل	تلاش برای در نظر گرفتن مشخصه‌های تمامی متن مذاکرات مورد بررسی
جامعیت تحلیل	تلاش برای در نظر گرفتن تمامی جنبه‌های کنترل اجتماعی
شفافیت تحلیل	قابل فهم بودن مطالب تحقیق و فراهم کردن امکان آزمون پیش فرض‌های تحقیق

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها

در این بخش ابتدا به توصیف زمینه گفتمان‌های کنترل اجتماعی مجلس در دوره‌های دوم، ششم و هفتم و سپس به تمایز گفتمان‌های اصلی کنترل اجتماعی مجلس و تبیین نحوه دگرگونی و عوامل مؤثر بر آن در دوره‌های مختلف می‌پردازیم.

۵-۱. مجلس دوم

بشیریه احزاب و نیروهای سیاسی در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب را به چهار گروه تقسیم می‌کند: ۱. احزاب و گروه‌های راست‌گرای مذهبی، ۲. احزاب و گروه‌های رادیکال مذهبی، ۳. احزاب لیبرال دمکراتیک، ۴. احزاب و گروه‌های هوادار سوسیالیسم (بشیریه، ۱۳۸۱: ۲۷). از همان آغاز انقلاب این گروه‌ها در مسئله کنترل اجتماعی اختلافات عمیقی با یکدیگر داشتند. از مهم‌ترین اختلافات به تقابل اصولگرایی و درست‌آیینی با تساهل و تسامح و رواداری می‌توان اشاره کرد (میرسلیم و خورمهر، ۱۳۸۹: ۴۱-۴۰). بخش چشمگیری از اختلافات فکری - فرهنگی از آغاز درباره مسائل زنان از جمله حجاب شرعی و اختلاط زن و مرد، دختر و پسر، سن ازدواج، تفاوت‌های زن و مرد مثلاً در

حق طلاق، قضا و سرپرستی خانواده و نیز موضوع سقط جنین و نظایر آن به وجود آمد (همان: ۴۲). رویکرد دینی نوگرا در قالب گروه‌هایی مانند نهضت آزادی از همان آغاز انتقادهایی بر رعایت نشدن اصول کنترل اجتماعی قانونی داشتند. انتقادهای بازرگان بر رویکرد حاکم (کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲) و تأکید او بر لزوم عفو عمومی (اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۳) و انتقاد شدید او از اقدامات انجام گرفته بعد از انقلاب در عدم عفو و گذشت (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۴۶) نشانه‌هایی از اختلافات عمیق در این حوزه محسوب می‌شود. جنبش انقلاب مردم ایران (جاما) نیز انتقادهای شدیدی بر نظام کنترل اجتماعی اوایل انقلاب دارد. این گروه در دی ماه ۱۳۵۹ از ادامه روند قانون‌شکنی‌های بعد از انقلاب انتقاد کرده و معتقد است طبق قانون آیین دادرسی کیفری این موارد جرم محسوب می‌شوند اما تا به حال کسانی از این لحاظ تعقیب و مجازات نشده‌اند (میرسلیم و خورمه‌هر، ۱۳۸۹: ۱۸۲). این گروه همچنین از تنگ‌نظری و تکفیر، جایگزینی قضای شرعی - انقلابی به جای دادگستری عرفی و اجرای لایحه قصاص انتقاد دارد (همان: ۱۸۵-۱۸۳).

دگرگونی رسمی در شیوه‌های کنترل اجتماعی توسط شورای عالی قضایی در الغای تمامی قوانین و مقررات غیر اسلامی که از سال ۱۲۸۶ تا آن زمان تصویب شده بود در ۲۵ آذر ۱۳۶۱ آغاز شد. شورای مذکور به تمامی قضات دستور داد قضاوت‌های خود را صرفاً بر مبنای قوانین مدون اسلامی - شیعی و فتوای مراجع سرشناس انجام دهند. علما جایگزین قضات سکولار پیش از انقلاب شدند و مدارس دینی عمده، نه دانشکده حقوق تهران، به محل آموزش روحانیان برای اشتغال به امر قضا و وکالت مبدل شدند (میلانی، ۱۳۸۳: ۳۵۸). مجموعه‌ای از قوانین اسلامی نوین، زیربنای نظام حقوقی جدید قرار گرفت. به رغم مخالفت شدید ملی‌گرایان و چپ‌ها با لایحه قصاص و تقییح آن، مجلس اول در مرداد ۱۳۶۲ آن را تصویب کرد. ماده (۱۹۴) مجازات‌های شدیدی از قبیل تازیانه زنی، قطع دست و سنگسار را مشروع کرد (همان). همچنین قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۴۶ که به زنان اجازه می‌داد تحت شرایط خاص درخواست طلاق کنند، غیرقانونی و تعدد زوجات، قانونی اعلام شد (همان).

در این سال‌ها نظامی جدید از اخلاق و سلوک اجتماعی معرفی شد. این نظام به ممنوعیت تولید و مصرف مشروبات الکلی و محدودیت در موسیقی، بازیابی و سانسور فیلم‌های غربی برای سازگاری آنها با ارزش‌های اسلامی و تغییرات در امر پاکسازی اخلاقی در قالب اجباری کردن حجاب بانوان (همان: ۳۶۰) منجر شد. این تغییرات که نظام جدیدی از کنترل اجتماعی را ایجاد کرده بود به علت بی‌اعتنایی احتمالی برخی اقشار، نیازمند نهادهای جدیدی مانند امر به معروف و نهی از منکر و نیز سازمان‌دهی گروه‌های هواخواه جوان و گشت‌زنی در خیابان‌ها بود. دشواری‌های مشروعیت بخشیدن به اخلاق به لحاظ مقررات دقیق در باب نحوه رفتار، با ایجاد شکاف بزرگی میان حوزه دولتی و خصوصی (همان: ۳۶۲) در حوزه کنترل اجتماعی مشکلات زیادی ایجاد می‌کرد. در نتیجه نظام کنترل اجتماعی به علت گفتمان آرمان‌گرایانه اوایل انقلاب مجبور به گسترش حوزه نفوذ خود در مرزهای دیگری شده بود که بسیاری از منتقدان، آن را مرز ناهنجاری یا گناه دانسته و آن را از جرم متمایز می‌کردند و همین منشأ چالش‌های گفتمانی بوده است.

هرچند در سه سال نخست بعد از انقلاب، تغییرات بنیادی نظری در تعریف، مرزبندی و شیوه مجازات جرائم ایجاد شده بود اما به علت دوگانگی اندیشه قضایی و فوریت پیشامدهای قضایی و کم‌تجربگی عناصر انقلابی تغییرات چندانی در سیستم قضایی به وجود نیامد. این هرج و مرج و بحران قضایی اوایل انقلاب، ریشه در عدم شکل‌گیری نظام و نبود قانون اساسی داشت. پس از تدوین قانون اساسی دوره تثبیت نظام جدید کنترل اجتماعی آغاز شد. طبق قانون اساسی تغییراتی در ساختار قضایی ایجاد شد که مهم‌ترین آنها تشکیل وزارت دادگستری، سازمان بازرسی کل کشور، دادگاه‌های عمومی و مدنی خاص، دادگاه‌ها و دادرسی انقلاب در کنار دادگستری عمومی و شناخته شدن قوه قضائیه به عنوان یک قوه مستقل و جدا از وزارت دادگستری بوده است.

علی‌رغم تصویب آیین‌نامه تقویت ساختار شورایی مدیریت قوه قضائیه در مرداد ماه ۱۳۶۴، شورایی بودن مدیریت و عدم تثبیت نظام کنترل اجتماعی انتقادهای جدی علیه قوه قضائیه در اواخر مجلس دوم و اوایل مجلس سوم موجب شد در بهمن ۱۳۶۷ تغییرات

کلیدی در مدیریت قوه قضائیه به تأیید امام برسد و بعدها موضوع تمرکز در مدیریت قوه قضائیه در زمره موارد بازنگری قانون اساسی قرار گرفت و پس از تصویب نهایی دوره جدیدی از مدیریت دستگاه قضایی آغاز شد (<http://www.justice.ir>).

چالش‌های نظام قضایی در این دوره ریشه در تغییرات ناشی از وقوع انقلاب و وقوع جنگ و الزامات آنها دارد. بخش مهمی از این چالش‌ها بعد اقتصادی داشت. برای کنترل این چالش‌ها قوانین اسلامی برای ساماندهی معامله و تجارت تدوین شد (میلانی، ۱۳۸۳: ۳۵۹). یکی از مهم‌ترین چالش‌های قضایی کشور در این دوره، برگشت برخی مالکان و کارخانه‌داران به کشور و ادعای قضایی آنها برای تصرف مجدد اموال مصادره شده آنها در سال ۱۳۶۳ بود. این مسئله یکی از نقاط اختلاف بین دو جناح راست و چپ دولت بوده است (شادلو، ۱۳۸۶: ۶۹-۶۷). جناح چپ مصادره اموال نامشروع سرمایه‌داران را عین امنیت اقتصادی می‌خواند (همان: ۷۲-۷۱). در این شرایط جناح راست به همکاری با سرمایه‌داران و بازاریان تکاثرطلب متهم می‌شد (کیهان، ۱۳۶۴/۸/۲) اما جناح راست معتقد است اگر ضرورت‌ها در نظام، سیر تصاعدی گیرد و منحنی احکام ثانویه روبه رشد رود، زنگ خطری است برای اینکه ما نه تنها در حل بیماری‌های اجتماعی موفق نبودیم بلکه با سیاستگذاری‌های خود بیماری‌های جدیدی به وجود آورده‌ایم (رسالت، پیش‌شماره ۱ تا ۳ مهرماه ۱۳۶۴).

رقابت‌های بین دو جناح چپ و راست سنتی در تصویب قوانین کلیدی کنترل اجتماعی این دوره از جمله مسئله اختیارات دولت در برخورد با گران‌فروشان و محتکران بازار با عنوان تعزیرات حکومتی نیز به چشم می‌خورد. این مسئله مورد اعتراض فراوان بازاریان و عده‌ای از نمایندگان مجلس و روحانیون جناح محافظه‌کار قرار گرفت.

رقابت‌های فکری دو جناح چپ و راست سنتی کشور در مجلات فرهنگی نیز نمود داشته است. مجله حوزه نماینده نوعی چپ‌گرایی اسلامی به معنای تأکید بر حقوق محرومان و ضرورت تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی و مداخله دولت در اقتصاد، محدود کردن مالکیت‌های بزرگ خصوصی و اجتهادهای فقهی متناسب با این مقاصد بود (میرسلیم و خورمهر، ۱۳۸۹: ۲۵۸) مجله نور علم نشریه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و

متعلق به طیفی از روحانیت مبارز بود که بر فقه سنتی و اصول و بنیادها، پافشاری داشت. این مجله با اشاره به لایحه قصاص به تأکید شیخ فضل اله نوری بر اجرای احکام اسلامی از جمله قصاص و به دار آویخته شدنش به این جرم، قصد دارد نوعی تقارن را از برخورد امام با جبهه ملی در خصوص نظر آنها به لایحه قصاص (۱۳۶۰/۳/۲۵) خلق کند (همان: ۲۶۹).

۲-۵. مجلس ششم

به تدریج با فرونشستن فضای پراشتهاپ و سرشار از معنویت دوران جنگ عراق بر ضد ایران، اختلاف‌های فکری از دهه هفتاد به بعد در کشور افزایش یافته و دیالکتیک گفتمان سنتی با گفتمان نوگرا موتور جریان‌های اجتماعی و سیاسی دهه ۷۰ و بعد از آن می‌شود. با روی کار آمدن دولت موسوم به سازندگی، اصلاح قانون اساسی و تغییر صلاحیت‌های فقیه و اختیارات ریاست جمهوری زمینه تغییرات اساسی در جامعه فراهم شد. تحولات اقتصادی و تغییرات فرهنگی و اجتماعی دوران ریاست جمهوری رفسنجانی که با اجرای سیاست تعدیل شناخته می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۷۰) زمینه‌ساز ظهور جریان اصلاحات شد که با تثبیت مجلس ششم را با اکثریت اصلاح‌طلبان اما با اقلیت بانفوذ اصولگرا مورد حمایت شورای نگهبان در ۷ خرداد ۱۳۷۹ تشکیل داد. گفتمان سیاسی حاکم بر این دوره از دیدگاه بشیریه گفتمان دموکراسی است. این گفتمان در مقابل استیلای سنت‌گرایی ایدئولوژیک پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه پس از سال ۱۳۷۶ در قالب نهضت جامعه مدنی تجسم یافته است. در این گفتمان «عناصر مختلفی چون قانونگرایی به شیوه جنبش مشروطه، ضدیت با استبداد به شیوه جریان روشنفکر دینی در آن یافت می‌شوند» (همان: ۷۱).

ریشه تغییرات نظام کنترل اجتماعی رسمی این دوره را باید در حاکمیت گفتمان جدید «تمرکزگرایی مدیریت قضایی» بر ساختار قضایی کشور و طرح موضوع بازنگری در قانون اساسی و فرمان امام در تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۳۶۸ جست‌وجو نمود. با تداوم این گفتمان در دهه موسوم به سازندگی تغییری در ساختار دستگاه قضایی ایجاد نمی‌شود. اما در اوج دوره اصلاحات در سال ۱۳۷۸؛ تغییر ریاست محمد یزدی؛ به آیت‌الله شاهرودی که منتسب به

جریان راست و مشهور به واقع‌بینی (کدی، ۱۳۸۳: ۷۵) بود پاسخی به تغییرات اجتماعی و سیاسی پیش از مجلس ششم می‌توان تلقی کرد. این تغییر از یک طرف با کاهش نسبی تنش‌ها به علت در رأس قرار گرفتن فردی در قوه قضائیه که چندان در محافل سیاسی شناخته شده نبود و تغییر در آرایش نیروهای این قوه و تخصصی‌گرایی حقوقی می‌توانست از کشیده شدن جریان تغییرات قوانین کنترل اجتماعی به بحران‌های اجتماعی بکاهد.

فقدان طرح‌های درازمدت اجتماعی با برنامه‌ریزی و قطعه قطعه بودن جامعه و ناشناخته بودن بخش عظیمی از آن و تفوق امر سیاسی بر امر اجتماعی در دوران اصلاحات باعث می‌شود نظام سیاسی به تدریج کنترل و مدیریت رفتارهای جنبشی را از دست بدهد و در نتیجه تثبیت عملی گفتمان اصلاحات در حوزه کنترل اجتماعی دشوار بشود. شتاب‌زدگی اصلاح‌طلبان مجلس ششم برای اصلاح سیاست جنایی تقنین یا قوانین کنترل اجتماعی مجلس به چالش‌ها و تنش‌های کنترل اجتماعی در قالب ارجاع قوانین مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌افزاید.

علاوه بر تفوق امر سیاسی بر امر اجتماعی، حلقه اتصال جریان فکری خواص و عوام در دوره اصلاحات بسیار ضعیف است. این دوران بیشتر تحول در فضای فکری نخبه‌ها بوده است تا توده مردم. ریشه چالش‌های کنترل اجتماعی این دوره را باید در «چالش میان نوگرایی دینی و دین‌گرایی معتقد به حاکمیت ولایت فقیه بر جامعه» (میرسلیم و خورمهر، ۱۳۸۹: ۴۱۳) جست‌وجو کرد. برخی از عناصر گفتمان کنترل اجتماعی سنت‌گرایی دینی را می‌توان در سخنان فعالان اصلی سنت‌گرایی دینی تشخیص داد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸). مهم‌ترین این عناصر خشونت مبتنی بر حق (در صورت انسداد راه‌های قانونی)، جرم‌انگاری گناه در خانواده و اجتماع، رد تسامح و تساهل به معنای جدید، پاسداشت مقدمات اسلامی همگام با تأمین نظم و رفاه مادی، لزوم اجرای قوانین جزایی ثابت اسلام، تبعیت از ولایت مطلقه فقیه، پالایش عقیدتی مشاغل حکومتی و دانشگاهی می‌باشند.^۱ ریشه‌های گفتمان

۱. استخراج این عناصر گفتمانی از تحلیل سخنان آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی در کتاب نظریه سیاسی در اسلام (سلسله سخنرانی‌های قبل از خطبه‌های نماز جمعه تهران) آمده است.

کنترل اجتماعی نوگرایی دینی را می‌توان از گفتارهای روشنفکری دینی بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ و در نظریاتی مانند «راهبرد آرامش فعال، فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا، سناریوی تشدید تضادها (میرسلیم و خورمهر، ۱۳۸۹: ۴۴۶-۴۴۲) و همچنین برخی نظریه‌های عرصه معرفت‌شناختی و کلامی و گفتمان‌ایدئولوژیک سیاسی - دینی استخراج کرد که در نشریه راه‌نو به همراه آرای عرف‌گرایان و سکولارها بازتاب داشته است (همان: ۴۵۶).

گفتمان نوگرایی دینی زمینه فکری لازم را برای گفتمان کنترل اجتماعی اصلاح‌طلبانه فراهم نمود. با تشدید انباشت تقاضاهای اجتماعی توسط نخبه‌ها اصلاح‌قوانین کنترل اجتماعی در دستور کار قرار گرفت. کاتوزیان حقوق‌دان معروف ایرانی در اوایل مجلس ششم از آرایش و پیرایش نظام حقوقی سخن می‌راند. بخش مهمی از این اصلاحات پیشنهادی که بعدها نیز در دستور کار مجلس ششم قرار می‌گیرد به مباحث کنترل اجتماعی (مدنی، ۱۳۸۰: ۱۸۳) و اصلاح نهادهای کنترل اجتماعی و نظام اداری دستگاه قضایی از جمله اصلاح دادگستری مربوط می‌شود (همان: ۱۹۱). همچنین در این دوره علاوه بر تغییرات داخلی، تعامل با نظام قضایی بین‌المللی در قالب رابطه دیالکتیکی دو گفتمان حقوق اسلامی و حقوق غربی به نوعی موتور گفتمان‌های کنترل اجتماعی این دوره و دوره‌های بعدی محسوب می‌شود.

به‌رغم عدم ایجاد دگرریسی و شکاف ارزشی (آزاد ارمکی و ملکی، ۱۳۸۶: ۱۱۶ و ۱۱۹؛ صدرا و قنبری، ۱۳۷۸: ۲۷۵) در دوره اصلاحات، تغییرات حوزه ارزش‌های خانوادگی قابل تأمل است. با وجود چنین پشتوانه‌ای تمرکز فعالیت مجلس ششم در حوزه قوانین کنترل اجتماعی خانواده این قوانین از طرف جناح اصولگرا با مقاومت مواجه بوده است. از طرف دیگر ماندگاری ارزشی دینی با وجود کاهش حوزه مناسکی با آنچه که مجلس ششم در قالب قوانین کنترل اجتماعی در پی تغییر آن بوده است؛ در تضاد بوده و چالش‌های جدی را در سطح جامعه ایجاد کرده است. در این دوره تحولات ساختاری، افزایش شهرنشینی، تغییر نحوه معیشت، ایجاد طبقات جدید فرهنگی و افزایش سواد اتفاق افتاده است و جنبش‌های اجتماعی بسیاری از جمله جنبش زنان که بسیار جدی است شکل می‌گیرد. از طرفی در این دوره ما شاهد دگرگونی‌های نو و شتابناکی در عرصه فرهنگ

(در سطح جهانی) و به تبع آن بستر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و سایر عرصه‌های حیات اجتماعی هستیم (صدرای و قنبری، ۱۳۷۸: ۲۷۹-۲۷۸). تجربه هشت سال دوره باز سیاسی مصادف با روند صعودی تمام شاخص‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی توسعه بوده است. برای مثال شاخص توسعه انسانی از ۰/۵۶۶ در سال ۱۳۵۵ به ۰/۷۳۲ در سال ۱۳۸۲ (دوره اصلاحات مجلس ششم) رسید (United Nations, 2000, 2001, 2002). همچنین در این دوره روند افزایشی جرائم که از سال ۱۳۷۴ شتاب گرفته بود در سال ۱۳۸۱ کاهش و با پایان آن دوباره افزایش می‌یابد.

۳-۵. مجلس هفتم

پرداختن اصلاح‌طلبان به شعارهایی چون آزادی، مردم‌سالاری و جامعه مدنی که هیچ توافقی بر سر آنها نبود و مباحثی که به تدریج جذابیت خود را به علت عدم ارتباط مستقیم با مشکلات اصلی و اساسی مردم از دست می‌دادند از جمله عوامل روی آوردن مردم به اصولگرایان بوده است. بخشی از اقشار و نیروهای متنوع اجتماعی که خود را محذوفان اجتماعی گفتمان دوم خرداد می‌دیدند برگزاری انتخابات را به مثابه فرصتی سرنوشت‌ساز برای ابراز و احراز هویت خود در جغرافیای اجتماعی ایران شمردند. جرقه‌های اولیه این ابراز وجود در انتخابات شوراهای شهر ۱۳۸۱ نمود داشت (کدی، ۱۳۸۳: ۱۴۴). اما نمود اصلی آن به انتخابات هفتمین دوره مجلس در ۱ اسفند ۱۳۸۲ مربوط می‌شود. با آغاز مجلس هفتم در ۷ خرداد ۱۳۸۳ اصولگرایی نوین که با اصولگرایی سنتی تفاوت‌های زیادی داشت مطرح می‌شود که در بعد فرهنگی و مذهبی با برگشت به سنت‌ها و عدم تحمل نوآوری در این حوزه تعریف می‌شود اما در بعد اقتصادی بیشتر به حمایت از اقشار کم‌درآمد و استفاده از ظرفیت‌های توده‌ای آنها و در بعد سیاست خارجی به عدم اعتماد به جهانی شدن و عدم سازش‌پذیری در برابر ابرقدرت‌ها استوار است. این جریان با انتقاد از سیاست‌های اقتصادی جریان موسوم به سازندگی و افزایش شکاف طبقاتی خود را نشان داد و به تدریج در میان گروه‌های سنت‌گرا طرفدار و حامی پیدا نمود. این جریان بعدها در

انتخابات ریاست جمهوری با روی کار آمدن دولت اصولگرای احمدی‌نژادی که با گفتمان عدالت و پیشرفت شناخته شده بود تکمیل تر شد.

علی‌رغم اذعان اینگلهارت به پتانسیل ایران در کسب سطوح بالای دموکراسی نسبت به سطح ارزش‌های توده و رشد فشارهای آنها برای لیبرال شدن (اینگلهارت و کریستین، ۱۳۸۹: ۱۹-۲۰) آنچه در عمل در این سال‌ها شاهد بودیم کاهش این فشارها در این دوره و در نتیجه همراهی مردم با گفتمان اصولگرایی و دلسردی از گفتمان اصلاح‌طلبی که به نوعی رگه‌هایی از گفتمان دموکراسی را نمایندگی می‌کرد تشدید می‌شود. این تغییرات پشتوانه لازم را برای رجعت ناقص به گفتمان کنترل اجتماعی راست‌گرا و کاهش چالش‌های گفتمانی مجلس فراهم می‌کند. با آغاز مجلس هفتم به علت بسته شدن سوپاپ اعتراض‌های مدنی روند جرائم سیر صعودی به‌خود می‌گیرد. روند افزایشی جرائم با کاهش رتبه جهانی ایران در کیفیت زندگی، سطح سرمایه اجتماعی و خوشبختی ذهنی، و افزایش آن در فساد مالی و میانگین سطح خشونت براساس شاخص GPI است.

۶. گفتمان‌های اصلی کنترل اجتماعی مجلس

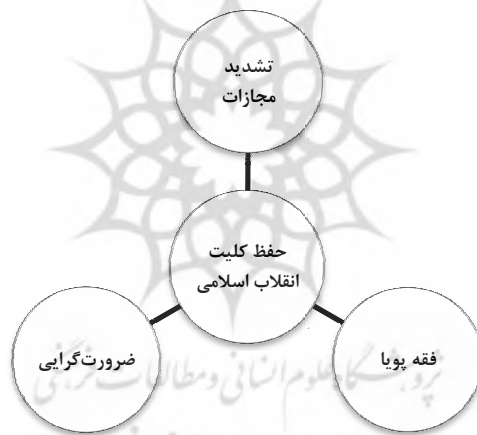
به‌طور کلی سه نوع عنصر اصلی مجازات، درمان و توان‌بخشی و پیشگیری با مفصل‌بندی‌های متفاوت در گفتمان‌های کنترل اجتماعی دوره‌های مورد بررسی در این پژوهش وارد می‌شوند. هرچند حرکت کلی گفتمان‌های کنترل اجتماعی به تدریج از دوره‌های اولیه مجلس از عنصر اصلی مجازات به عنصر توان‌بخشی و سپس پیشگیری است با این‌همه رجعت و حرکت عکسی نیز بسته به شرایط اجتماعی وجود دارد. بر این اساس با مفصل‌بندی‌های متفاوت عناصر سه‌گانه کنترل اجتماعی و با در نظر گرفتن گرایش‌های سیاسی، سه نوع گفتمان مجازات؛ ترمیم و رجعت ارزشی قابل شناسایی است.

۶-۱. گفتمان مجازات

گفتمان مجازات گفتمانی رادیکال است و برای کنترل جرائم به آموزه‌های فقه پویا متوسل

می‌شود. این گفتمان معتقد است که برای کنترل جرائم باید قوانین جدیدی متناسب با فوریت و ضرورت جامعه با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن از جمله جنگ، محاصره اقتصادی و نظایر آن تدوین کرد. حامیان این گفتمان، فقه را دروازه‌ای گشوده و منعطف می‌دانند که می‌تواند با تغییر احکام ثانویه طبق استفتاء مراجع از جمله امام در قالب تشدید یا تغییر مجازات به کنترل جرائم و حل مسائل و مشکلات مردم به‌ویژه اقشار کم‌درآمد کمک کند.

شکل ۱. مفصل‌بندی گفتمان کنترل اجتماعی مجازات



این گفتمان در دهه اول انقلاب و به‌خصوص در مجالس دهه اول انقلاب استیلا داشت و بیشتر طیف چپ‌گرای مجلس از آن بهره می‌گرفت، اما از همان ابتدا طیف راست‌گرای مجلس بر آن نقدهایی داشت. منتقدان بر حفظ شالوده فقه سنتی تأکید کرده به تغییرات در احکام ثانویه به دیده تردید و محافظه‌کاری نگاه می‌کردند. آنها معتقد بودند چیزی به نام تشدید مجازات در فقه وجود ندارد و به جای آن به علت‌های وقوع جرم توجه می‌شود. بر این اساس تقدم مبارزه با علل جرائم بر خود جرائم یا مبارزه ریشه‌ای با جامع‌نگری پیشنهاد می‌شود. از طرف دیگر آنها بدعت قوانین را عامل تورم قوانین موازی و

افزایش قانون شکنی می‌دانند و به جای آن بر اصلاح نهادهای کنترل اجتماعی هم از نظر ساختار و هم از نظر عاملیت می‌پردازند. از نظر ساختار بر اصلاح قوه قضائیه و تسریع اجرای حدود و تعزیرات انگشت می‌گذارند و از نظر عاملیت نیز بر گزینش و پالایش نیروهای قضایی تأکید دارند. منتقدان، ضرورت گرایي گفتمان مجازات را به نقد می‌کشند و اقداماتی مانند تشکیل دادگاه سیار را نیم‌بند و ناکارا تلقی می‌کنند. از طرفی آنها از حمایت یک‌طرفه گفتمان کنترل اجتماعی چپ‌گرا از اقلیت پایین انتقاد کرده و معتقدند حقوق همه اقلیت باید در نظر گرفته شود. حمایت منتقدان راست‌گرا از بازاریان و اصناف و رانندگان و ... در این راستا قرار دارد.

جدول ۲. جدول فرکلافي گفتمان مجازات

نام گفتمان	گفتمان «تشدید مجازات»
واژگان کانونی کنترل اجتماعی	مجازات، جرم، تقنین و شرایط اجتماعی
واژگان کانونی مخالفان گفتمان	علل جرائم، ضعف سیستم قضایی، بر هم خوردن تعادل جامعه، ایجاد جوی اعتمادی، سوءاستفاده ابزاری مبارزه با جرائم، کفایت قوانین، ناکارایی تشدید مجازات
استدلال اصلی حامیان گفتمان	با توجه به شرایط خاص کشور برای مبارزه با جرائم، تدوین قوانین تشدید مجازات ضرورت دارد
استدلال اصلی مخالفان گفتمان	با توجه به عدم تأثیر تشدید مجازات باید به علل ریشه‌ای جرائم و ضعف سیستم قضایی کشور در مقابله با این جرائم توجه کرد

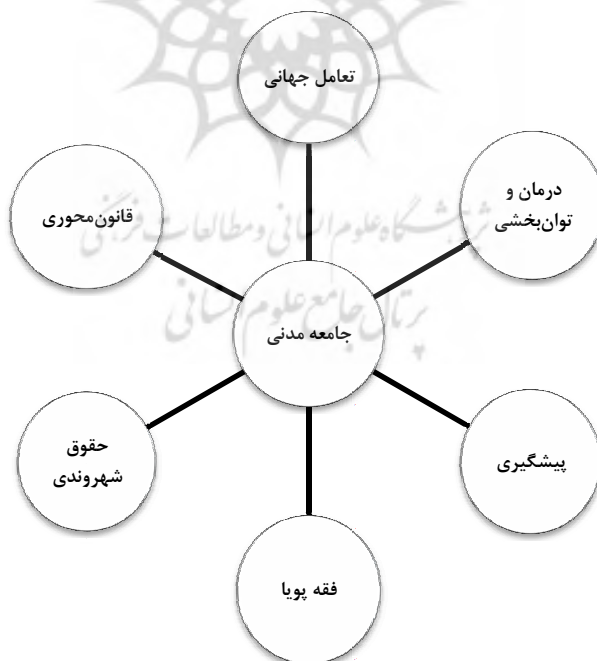
۲-۶. گفتمان ترمیم

به تدریج که نارسایی‌های گفتمان «مجازات» و رویکرد سلبی در مبارزه و کنترل جرائم آشکار می‌شود دیدگاه‌های منتقد، خود را در بستر فضای اصلاح طلبانه بعد از دوم خرداد و حتی پیش از آن بیشتر نمایان می‌کنند و زمینه رشد گفتمان «ترمیم» را فراهم می‌کنند. گفتمان «ترمیم» برخلاف گفتمان «مجازات» که بیشتر بنیان فقهی دارد و از فقه پویا متأثر است علاوه بر فقه پویا بنیانی حقوقی مبتنی بر مفاهیم قانون‌گرایی و جامعه مدنی نیز دارد.

جدول ۳. جدول فرکلافی گفتمان «ترمیم»

نام گفتمان	گفتمان «ترمیم»
واژگان قانونی کنترل اجتماعی	همکاری بین‌المللی در مبارزه با جرائم سازمان‌یافته، علت‌گرایی، در نظر ابعاد مختلف در مبارزه با علل جرائم، انسانی کردن مجازات، زندان‌زدایی
واژگان قانونی مخالفان گفتمان	فشارهای بین‌المللی، تهدید ارزش‌های دینی، حمایت از مجرمان به جای قربانیان جرائم
استدلال اصلی حامیان گفتمان	در مبارزه با جرائم باید به علل جرم توجه نمود و براساس قانون و حقوق شهروندی با تکیه بر فقه پویا با شیوه‌های مختلف به جبران آثار و آسیب‌های جرم اقدام کرد
استدلال اصلی مخالفان گفتمان	شیوه‌های پیشنهادی گفتمان ترمیم در مبارزه با جرائم خود باعث ایجاد آسیب‌های دیگری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌شود و مهم‌تر از آن ارزش‌های دینی و انقلابی را مورد تهدید قرار می‌دهد

شکل ۲. مفصل‌بندی گفتمان کنترل اجتماعی ترمیم



کنترل اجتماعی ترمیم در مقایسه با گفتمان مجازات عناصر بیشتری را درون خود مفصل‌بندی نموده است. هر دو گفتمان بر فقه پویا و تغییر احکام ثانویه براساس تغییرات اجتماعی تأکید دارند. اما گفتمان «ترمیم» عنصر تأکید بر تشدید مجازات را به صراحت در خود مفصل‌بندی نکرده است. این گفتمان در عوض به حقوق شهروندی و قانون‌گرایی در قالب شفاف‌سازی و تحدید قانونی قدرت نهادهای کنترل اجتماعی از جمله نهادهای امنیتی و قضایی و تضمین امنیت اجتماعی تأکید دارد. از طرف دیگر این گفتمان به جای عنصر رویکرد سلبی و ممنوعیت از رویکرد درمان و توان‌بخشی و عنصر تعامل با کشورهای جهان را در مقابله با جرائم به کار می‌گیرد.

۳-۶. گفتمان رجعت ارزشی

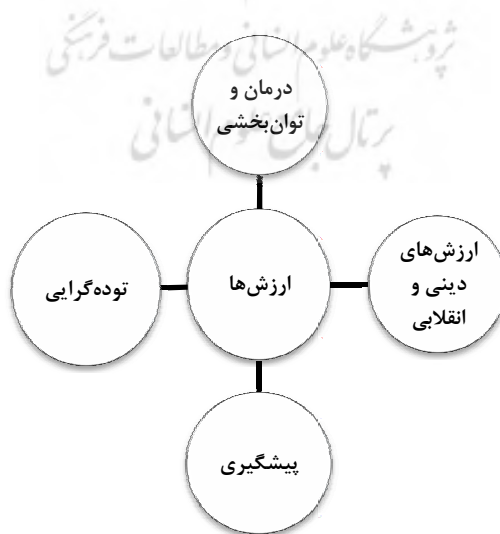
گفتمان ترمیم در واکنش به ناتوانی‌های گفتمان مجازات شکل گرفت ولی استیلای این گفتمان با انتقادهای جدی از جمله در نظر نگرفتن شرایط اجتماعی به‌ویژه توده مردم و تهدید ارزش‌های اسلامی و انقلابی کم‌رنگ‌تر شد و زمینه ظهور گفتمان «رجعت ارزشی» پدید آمد. این گفتمان بازگشت به ارزش‌های دهه اول انقلاب را در مباحث کنترل اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد. بر این اساس عناصر «درمان و توان‌بخشی» و «پیشگیری» مورد استفاده گفتمان «ترمیم» را در کنار عناصر «ارزش‌های دینی و انقلابی» و «توده‌گرایی» در قالبی جدید مفصل‌بندی می‌کند. در نتیجه بسیاری از پیشنهادها گفتمان ترمیم که به زیان ارزش‌ها تلقی می‌شود رد می‌شود اما این گفتمان به معنای بازگشت به گفتمان مجازات نیست چراکه محدودیت‌های رویکرد سلبی مستتر در گفتمان مجازات امکان‌پذیر نیست آن را در بسیاری از حوزه‌ها ناممکن می‌سازد.

جدول ۴. جدول فرکلافی گفتمان «رجعت ارزشی»

نام گفتمان	گفتمان «رجعت ارزشی»
واژگان کانونی کنترل اجتماعی	جرم، ارزش‌های دینی، درمان و توان‌بخشی، پیشگیری، استفاده از امکانات محلی و توده‌ای
واژگان کانونی مخالفان گفتمان	مجازات، ارزش‌های جهانی، تناقض در تفسیر ارزش‌ها
استدلال اصلی حامیان گفتمان	برای کنترل جرائم باید براساس ارزش‌های دینی و انقلابی رویکرد درمانی و توان‌بخشی و پیشگیری از جرم را در پیش گرفت و از ظرفیت توده‌ها در این راه بهره جست
استدلال اصلی مخالفان گفتمان	توده‌گرایی در کنترل جرم به علت عدم رعایت تخصص‌گرایی زبان‌بار است تفسیرهای متفاوت و متناقضی از ارزش‌های دینی و انقلابی وجود دارد

رویکرد پوپولیستی (توده‌گرایانه) این گفتمان موجب می‌شود که از ناحیه «راست سنتی» یا «اصولگرایان سنتی» با انتقادهای جدی مواجه شود و شکاف بین طیف راست بیشتر شود.

شکل ۳. مفصل‌بندی گفتمان کنترل اجتماعی رجعت ارزشی



جدول ۵. مصادیق گفتمان سه گانه کنترل اجتماعی در لوایح و طرح های مجلس شورای اسلامی

نوع گفتمان		حوزه کنترل اجتماعی	
رجعت ارزشی	ترمیم	مجازات	
<p>لوایح موافقتنامه برای جلوگیری، تحقیق و مبارزه با تخلفات گمرکی بین کشورهای بلغارستان، ترکمنستان، سودان، ... (در فاصله سال های ۱۳۸۶-۱۳۸۳)، اصلاحیه طرح یک فوریتی الحاق یک بند و یک تبصره به ماده (۱) قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و اصلاح تبصره «۱» ماده (۲) (مجازات فعالیت در شرکت های هرمی) (۱۳۸۴/۷/۱۷)، اصلاحیه لایحه مبارزه با پولشویی (۱۳۸۴/۸/۱۵)، لایحه الحاق دولت به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (۱۳۸۵/۱/۲۰)، لایحه الحاق دولت به کنوانسیون بین المللی هماهنگی کنترل های مرزی کالاها (۱۳۸۵/۹/۷)، طرح صیانت جامعه در برابر مفاسد اقتصادی (۱۳۸۶/۳/۲۳)</p>	<p>لایحه مبارزه با جرم پولشویی (۱۳۸۳/۲/۶)، رد لایحه مبارزه با قاچاق کالا، ارز، ریال و اوراق بهادار (۱۳۸۲/۵/۲۸)، رد طرح یک فوریتی لغو ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷ و اصلاح ماده (۶۹۶) و الحاق یک تبصره به ماده (۷۱۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (۱۳۸۱/۲/۱۰)، رد طرح تبدیل مجازات حبس به جریمه نقدی (۱۳۸۰/۵/۲۳)، رد طرح چک (۱۳۸۰/۸/۱۳) و لایحه اصلاح موادی از قانون صدور چک (۱۳۸۰/۱۲/۲۵)</p>	<p>لایحه تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری (۱۳۶۴/۲/۲۴)، طرح تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان (۱۳۶۵/۵/۸)، لایحه اصلاح ماده (۱۹) قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ (۱۳۶۳/۹/۲۵)، لوایح مربوطه به جرائم و تخلفات امور حمل و نقل (لایحه تشدید مجازات عاملین متخلف در امر حمل و نقل کالا (۱۳۶۵/۹/۱۱)؛ لایحه مجازات متخلفین از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر (۱۳۶۶/۴/۴)؛ لایحه منع خرید و فروش کوپن کالاهای اساسی و سوخت (۱۳۶۶/۶/۸)</p>	اقتصادی
<p>لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین المللی علیه گروگانگیری (۱۳۸۵/۳/۳)، رد یک فوریت</p>	<p>طرح ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور (۱۳۷۹/۵/۳۰)، طرح جرایم</p>	<p>لایحه تعیین تکلیف لوایح قانونی مربوط به رفع آثار محکومیت سیاسی (۱۳۶۶/۶/۳)</p>	امنیت و خشونت

نوع گفتمان		حوزه کنترل اجتماعی
رجعت ارزشی	تومیم	مجازات
<p>طرح الحاق موادی به قانون مجازات اسلامی در خصوص جرائم ناشی از اهانت به اقوام ایرانی (۱۳۸۵/۳/۳۱)، لایحه الحاق یک تبصره به بند «۳» ماده (۶۵۱) قانون مجازات اسلامی درباره مصادیق سرقت مسلحانه (۱۳۸۳/۷/۸)</p>	<p>سیاسی (۱۳۸۰/۳/۶)، لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی (۱۳۸۰/۱/۱۹)، طرح الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز (۱۳۸۳/۵/۱)، طرح منع شکنجه (۱۳۸۰/۱۲/۱۴)</p>	
<p>لایحه جرم‌زدایی از قانون مواد مخدر و درمان مبتلایان به سوء مصرف مواد مخدر (۱۳۸۴/۵/۹) طرح جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات (۱۳۸۷/۲/۸)، لایحه الحاق دولت به کنوانسیون چارچوب سازمان بهداشت جهانی در مورد کنترل دخانیات (۱۳۸۴/۴/۵)</p>	<p>لایحه الحاق دولت به پروتکل اصلاحی معاهده واحد مواد مخدر سال ۱۹۶۱ میلادی برابر با سال ۱۳۴۰ هجری شمسی (۱۳۸۰/۵/۱۴)</p>	<p>یک فوریت طرح قانونی مبارزه با قاچاق و استعمال مواد مخدر (۱۳۶۵/۷/۱۵) لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به‌منظور مداوا و اشتغال به کار معتادان مصوب (۱۳۵۹/۳/۱۹)</p>
<p>الغای طرح ضوابط به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره (۱۳۸۷/۲/۸)، طرح اصلاح مواد (۱) و (۳) قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند</p>	<p>طرح اصلاح قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره (۱۳۸۱/۱۰/۸)، لایحه ضرورت اخذ مجوز برای ساخت، خرید و فروش، نگهداری، تبلیغ و استفاده از</p>	<p>قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاءعام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را</p>

نوع گفتمان		حوزه کنترل اجتماعی
رجعت ارزشی	تومیم	مجازات
<p>(۱۳۸۶/۱/۲۸)، لایحه جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۵/۴/۲۸)، طرح سامان‌دهی مد و لباس (۱۳۸۵/۲/۲۴)</p>	<p>دستگاه فلزیاب (۱۳۷۹/۸/۱۱)، لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ میلادی مطابق با ۱۳۳۳ هجری شمسی لاهه درخصوص حمایت از اموال فرهنگی در صورت بروز مخاصمه مسلحانه (۱۳۸۰/۴/۵)، لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی (۱۳۸۰/۷/۴)، فوریت طرح اصلاح موادی از قانون مطبوعات (۱۳۷۹/۳/۲۹)</p>	<p>جریحه‌دار می‌کند (۱۳۶۵/۶/۱۶)</p>
<p>لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان (۱۳۸۵/۵/۳۰)، اصلاحیه لایحه مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۳/۴/۲۸)، لایحه الحاق دولت به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک درخصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان (مصوب ۱۳۷۹/۳/۴ برابر با ۲۵ مه ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) (۱۳۸۶/۵/۹)، طرح سقط‌درمانی (۱۳۸۳/۴/۳۰)</p>	<p>لایحه کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌نامه مکمل آن (۱۳۸۰/۸/۸)، لایحه پذیرش اصلاحیه کنوانسیون حقوق کودک (۱۳۸۰/۴/۱۹)، لایحه مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۳/۲/۲۹)، لایحه الحاق به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۳۹۳/۵/۱)</p>	<p>قانون حق حضانت اطفال (۱۳۶۳/۱۱/۲۸)</p>

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در آخرین مرحله تحلیل نشانه‌شناختی گفتمان به شیوه فر کلافی یعنی بازبینی انتقادی تحلیل

این سؤال را می‌توان مطرح کرد که پژوهش آکادمیک انجام شده چگونه می‌تواند با حوزه سیاستگذاری کنترل اجتماعی مجلس شورای اسلامی مرتبط شود. قانونگذاری در کنترل اجتماعی در یک فرایند طولانی مستلزم ارتباط مراکز آکادمیک با مرکز اصلی تقنین از جمله مجلس است. بخشی از این ارتباط به واسطه مرکز پژوهش‌های مجلس محقق می‌شود. از جمله وظایف مراکز آکادمیک رصد ناهنجاری‌ها و جرائم جامعه و تجزیه و تحلیل علمی و انتقادی آنها به همراه مرزبندی ناهنجاری، جرم و گناه است. اهمیت مسئله مرزبندی را می‌توان از مقاومتی که درباره کارا بودن رویکرد تقنین در مباحث کنترل اجتماعی وجود دارد به عینه دید چراکه برخی دیدگاه‌ها با توجه به پیامدهای ناشناخته، ناگوار و مبهم کنترل اجتماعی مانند گسترش دامنه حقوق کیفری مدعی‌اند اجرای قانون، صرفاً به وخیم‌تر کردن مسائل اجتماعی می‌انجامد و سیاست‌های عدم مداخله و تساهل را تبلیغ می‌کنند. برخی بر عدم اجرای قوانین موجود توسط دستگاه‌های قضایی و عاملان قضایی و همچنین به کار بست شیوه‌های غیرتقنین مانند بسترسازی فرهنگی و آموزشی و تربیتی به جای رویکرد تقنین تأکید می‌کنند (گودرزی، ۱۳۸۰: ۳۱۲). هرچند بسیاری از حقوق‌دانان لزوم وضع قوانین را در کنار قواعد اخلاقی یادآور شده‌اند (کاتوزیان: ۱۳۸۴: ۶۰) اما هم‌زمان بر تفاوت هدف‌ها، قلمرو و ضمانت اجراها در دو مقوله قانون و اخلاق تأکید دارند (همان: ۶۱) و حتی اندیشمندی مانند زاس معتقد است دولت هیچ وظیفه‌ای در زمینه کنترل مسائل خصوصی و اخلاقی شهروندان ندارد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۴).

مسئله مرزبندی بین جرم، ناهنجاری و گناه در سیاست تقنین جنایی، ارتباط بسیار مستقیمی با جرم‌انگاری و جرم‌زدایی دارد. لزوم مرزبندی بین جرم، کیجروی و گناه هم در میان دانشگاهیان، جرم‌شناسان و حتی نمایندگان مجلس طرفداران جدی دارد. آنها منتقد قانونگذاری کیفری براساس دیدگاه دخالت‌قیم‌مدارانه هستند. این دخالت منجر به جرم‌انگاری رفتارهایی می‌شود که به نظر می‌رسد در چارچوب «انحرافات اجتماعی» جای می‌گیرند (زینالی، ۱۳۸۷: ۳۱۱). این منتقدان معتقدند سیاست کیفری ایران ضمن گسترش مرزهای حقوق کیفری آن را درگیر حمایت از قالب‌هایی کرده است که نه تنها از ظرفیت و

گنجایش آن خارج است، بلکه کنترل آن وظیفه سایر ابزارهای کنترل اجتماعی مانند جامعه مدنی، نظام آموزش و فرهنگ و دینی، نظام بهداشتی، درمانی، رفاهی و خانواده است. این مسئله حتی در خود مجلس نیز منتقدانی جدی داشته است و از گسترش مرزهای کنترل اجتماعی تقنین انتقاد شده است.

مرزبندی جرائم و تعریف دقیق آنها از جمله اختلافات اساسی گفتمان کنترل اجتماعی ترمیم و رجعت ارزشی بوده است. این اختلاف در طرح جرائم سیاسی و طرح‌ها و لوایح مرتبط با تعریف مرزهای ارتباطی نهادهای کنترل اجتماعی مانند نیروهای انتظامی و امنیتی با نهادهای دیگر از جمله نهادهای علمی و دانشگاهی نیز به وضوح دیده می‌شود.

وظیفه دیگر محافل دانشگاهی در حوزه کنترل اجتماعی بررسی کارایی نوع سیاست تقنین است که به ضمانت حرمت هنجارها با تقنین مربوط می‌شود. در این میان دو نوع سیاست تقنین را می‌توان از همدیگر متمایز کرد: سیاست تقنین سلبی و سیاست تقنین ایجابی. سیاست تقنین سلبی برای حفظ هنجارهایی که آنها را مهم تلقی می‌کند از شیوه‌های مختلف مجازات بهره می‌گیرد اما سیاست تقنین ایجابی با کاربست شیوه‌های تشویقی به صورت غیرمستقیم به این هدف دست می‌یابد. یکی از مهم‌ترین چالش‌های مطرح در این مورد به اجرای علنی حدود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۲۳۵-۲۰۵) مربوط می‌شود که به محدود شدن اجرای علنی حدود در جامعه منجر شده است. در موتور گفتمان‌های کنترل اجتماعی کشور ما نیز حرکتی در جهت سیاست تقنین ایجابی به چشم می‌خورد. گفتمان مجازات که نوعی گفتمان سلبی تلقی می‌شود با گفتمان ترمیم به چالش کشیده می‌شود. گفتمان رجعت ارزشی حاکم در دهه اخیر با وجود تأکید بر ارزش‌های دهه اول انقلاب منتقد رویکرد سلبی است.

محافل دانشگاهی می‌بایست با تحلیل انتقادی گفتمان‌های کنترل اجتماعی در دهه‌های گذشته میزان کارایی آنها را در کنترل جرائم مورد تجزیه قرار بدهند. این مسئله می‌تواند چراغی برای مسیر آینده گفتمان‌های کنترل اجتماعی باشد. اما مهم‌ترین وظیفه محافل دانشگاهی در این حوزه به قابلیت ترجمه ضمانت‌های اجرایی پیشنهادی برای حفظ

هنجارهای مهم جامعه مربوط می‌شود. همه پیشنهادهای آکادمیک قابلیت ترجمه به قانون را ندارند. حتی در صورت قابلیت ترجمه، حساس‌ترین بخش قانون‌نویسی همین مرحله است و نمی‌توان نقش محافل آکادمیک به‌ویژه علوم اجتماعی مانند اخلاق و جامعه‌شناسی و تاریخ و علوم سیاسی و اقتصادی را انکار کرد. از طرف دیگر کار قانونگذاری به این گونه کاوش‌ها محدود نمی‌شود؛ زیرا گذشته از این که نتایج حاصل از پژوهش‌های علمی گاه مبهم و گاه متعارض است، حفظ نظم و آسایش عمومی نیز بی‌گمان نیاز به سیاست‌های دیگر دارد و هیچ قانونگذاری حاضر نیست به بهای ایجاد اخلال و آشوب عدالت را مستقر سازد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۷۴). عدم دقت در مرحله قانون‌نویسی باعث بروز اعتراض‌هایی از ناحیه حقوق‌دانان مجلس و آنهایی می‌شود که با شیوه‌های قانون‌نویسی آشنایی دارند زیرا برخی از مواد قوانین پیشنهادی جنبه توصیه و حتی موعظه دارند. برای کاهش این گونه ضعف‌ها محافل آکادمیک باید در ارائه طرح‌ها و لوایح به مجلس و دولت کمک کنند. چالش «ترجمه به قانون» به‌ویژه با رشد سیاست‌های تقنین‌ایجابی به جای سلبی افزایش می‌یابد چراکه سیاست‌های ایجابی به راحتی سیاست‌های سلبی، قابلیت ترجمه به قانون ندارند. چالش ترجمه به قانون حتی در انطباق مفاهیم نظری برخی مکاتب علمی کنترل اجتماعی با قانونگذاری نیز به چشم می‌خورد. برخی از نظریه‌ها که به تبیین کجروی می‌پردازند مانند تبیین‌های ساختی - کارکردی در ارائه راهکار تقنین‌نا توان هستند و از مفاهیم و مدل ارائه شده آنها نمی‌توان در سیاستگذاری تقنین بهره گرفت (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۷۳).

محافل آکادمیک در کاهش شکاف زمانی بین وقوع ناهنجاری‌های جدید با فرایند بر ساخت تقنین که موجب کاهش تبعات اجتماعی آن می‌شود نقش کلیدی دارند. عدم رشد گفتمان‌های کنترل اجتماعی در محافل دانشگاهی و پژوهشی و حتی مطبوعاتی و عدم توجه آنها به مسائل اجتماعی موجود در جامعه بی‌شک یکی از مهم‌ترین عوامل کندی موتور گفتمان‌های کنترل اجتماعی مجلس است که موجب افزایش این شکاف زمانی است. برای مثال در فعالیت شرکت‌های هر می‌کندی واکنش‌های مطبوعاتی و تحلیل

دانشگاهی موجب می‌شود بر ساخت تقنین به درازا کشیده و مسیری هشت‌ساله طی شود. با الهام از لوزویک جامعه‌شناسان مباحث کنترل اجتماعی را بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های رقابتی و حضار طرح می‌کنند (لوزویک، ۱۳۸۳: ۲۷۴). چیزی که می‌توان آن را رویکرد علمی و دانشگاهی نامید. اما سیاستگذاران کنترل اجتماعی با در نظر گرفتن ویژگی‌های رقابتی و حضار باید بتوانند در فرایند رقابت گفتمانی ضمن غلبه بر گفتمان‌های رقیب توانایی اقتاع حضار عام و خاص را داشته باشند. سیاستگذاران اجتماعی باید ارتباط خود را با رویکردهای علمی و جامعه‌شناسان قطع نکنند. قطع این ارتباط و فقط در نظر گرفتن حضار می‌تواند به چیزی منجر شود که می‌توان آن را «حضارگرایی» نامید. برخی از نمایندگان مجلس ممکن است خود قبلاً از متخصصان یا فارغ‌التحصیلان مسائل کنترل اجتماعی باشند و با رویکرد علمی آشنایی داشته باشند. فعالیت این افراد در گفتمان‌های اجتماعی مجلس می‌تواند به غنای ارتباطی بین سیاست‌جایی تقنین و مباحث آکادمیک کمک کند. برخی پژوهشگران به موانع و مشکلاتی که بر سر راه نفوذ یافته‌های علمی بر سیاستگذاری‌ها ایجاد می‌شود اشاره کرده و معتقد به ضرورت دستیابی به سازکارهایی برای نزدیک‌تر کردن گفتمان‌های حاکم بر دو حوزه علمی و تقنین هستند (فرجیها، ۱۳۸۲: ۹۱). روند استفاده نظام تقنین کشور ما از دستاوردهای تقنین سایر کشورها در حوزه حقوق کیفری و یافته‌های جرم‌شناسی، در مجلس ششم و به‌ویژه در مجلس هفتم با گسترش حقوق تخصص‌گرا رونق می‌گیرد. برای مثال در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان یا لایحه شوراهای حل اختلاف یا طرح سقط‌درمانی می‌توان استفاده از پژوهش‌های جرم‌شناختی را به عینه دید.

حرکت گفتمانی از کاربست و مفصل‌بندی عنصر کیفری (مجازات) به عنصر درمان و جرم‌زدایی و نهایتاً پیشگیری بیشتر نتیجه تعاملات با حقوق بین‌المللی و مطالعات آکادمیک بوده است. پیشگیری اجتماعی، راهبردی عمدتاً پیشینی و متشکل از مجموعه راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم است که با هدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های بازدارنده از وقوع جرم و کجروی طراحی و تدوین می‌شود. گفتمان‌های اخیر نیازمند تقویت گفتمان حقوق

مشارکتی و مردم‌نهاد می‌باشد. بر این اساس بیشتر برخوردها، محکومیت قضایی ندارند بلکه محکومیت‌های اجتماعی و استفاده از روش‌های جایگزین در مجازات‌هاست و استیلائی عملی آنها نیازمند فرهنگ‌سازی است. عنصر گفتمانی پیشگیری حتی بر بخش قضایی برنامه چهارم توسعه نیز استیلا دارد که دولت را ملزم به اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی می‌کند. سرمایه اجتماعی اقتصاد اجتماعی را تقویت و از میزان بزهکاری و هزینه حفظ نظم و قانون و هزینه‌های اقتصاد قدرت یا اعمال کنترل اجتماعی می‌کاهد (ریف کین، ۱۳۷۹: ۴۰۰). به نظر می‌رسد فراهم کردن عرصه فعالیت برای اقتصاد اجتماعی (نوعی اقتصاد غیربازاری براساس سرمایه اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه در بخش‌های مختلف) از طریق سیاست تقنین بتواند بسیار راهگشا باشد. در کشور آمریکا افراد زیادی در قالب اقتصاد اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری یا تسکین مصیبت‌دیدگان یاری رسانده و یا تلاش دارند قوانین را به این منظور تغییر دهند (همان: ۳۵۸). این شکل از اقتصاد به کاهش هزینه‌های قضایی کشور و تسریع رسیدگی به مسائل قضایی در قالب شوراهای حل اختلاف کمک زیادی رسانده است.

در این میان نقش مراکز پژوهشی و دانشگاهی در سوق دادن گفتمان‌ها به گفتمان‌های مفید کنترل اجتماعی بسیار اهمیت دارد. گفتمان‌های دانشگاهی باید بتوانند با رصد تحولات مرزهای بین جرم با سایر پدیده‌های مشابه مانند بزهکاری، گناه و جنگ، گفتمان‌های کنترل اجتماعی را با این تحولات منطبق سازند. بعضی از متخصصان نظامی بر این باورند که ما در حال ورود به دوره تاریخی جدید و خطرناک «جدال‌های کم‌شدت» در قالب کشمکش‌های باندهای تروریست و دسته‌های چپاولگر قانون‌شکن، و محو تمایز میان جنگ و بزهکاری و تهدید دهکده جهانی با کشتارهای بی‌هدف با اهداف سیاسی مبهم هستیم (همان: ۳۲۶). در چنین فضایی گفتمان‌های جدیدی باید رشد کنند چراکه نیروهای کنترل اجتماعی فعلی برای کنترل این فضای جدید ناتوان هستند (همان). به‌ویژه با گسترش تروریسم در کشورهای همسایه و تسری آن به مناطق حساس کشور از جمله بلوچستان و کردستان لزوم گفتمان‌سازی در این حوزه بیشتر ضرورت دارد.

گفتمان‌های کنترل اجتماعی مجلس می‌تواند برای مقابله با ناهنجاری‌هایی که در تعریف آنها به‌عنوان جرم توافق وجود ندارد مانند کشورهای پیشرفته به تشکیل پلیس فرهنگی اقدام کند و تعامل صحیح و منطقی را با افراد خاطی مدنظر قرار بدهد. با توجه به هزینه‌های انسانی غیرقابل جبران کنترل مسلحانه جرائم انتظار می‌رود این هزینه‌ها بیشتر به سمت تجهیز، نظارت و کنترل تکنولوژیک و تقویت گفتمان‌های مربوطه شود. به نظر می‌رسد سوسه کنترل تکنولوژیک جرائم و ناهنجاری‌ها به علت ساختار چندقومی اجتماع ایران و بروز ناآرامی‌های قومی و سیاسی دهه ۸۰ و «افزایش جرائم خشونی پس از ناآرامی‌های سیاسی سال ۸۸»^۱ تشدید شود. این جرائم خشونی در قالب تشدید استفاده از سلاح سرد، منتقدان را به فشار بر مجلس در تدوین قوانین مجازاتی شدید واداشته که می‌توان آن را نوعی رجعت به کاربست عنصر گفتمانی مجازات در دوره دوم ریاست جمهوری احمدی‌نژاد دانست. در چنین فضایی احیای مجدد گفتمان امر به معروف و نهی از منکر که گفتمانی همسو با تشدید مجازات و مربوط به دهه اولیه انقلاب بود مطرح و از تعطیلی مراکز مربوطه انتقاد می‌شود. اما تجربه نشان می‌دهد رشد گفتمان‌های التقاطی در حوزه کنترل اجتماعی نتایج و تبعات مناسبی بر جامعه نخواهد داشت. بر این اساس هر گفتمانی که در این حوزه توسعه می‌یابد باید منطبق با واقعیت‌های آن جامعه و شرایط زمانی آن باشد.

۱. سخنان اسماعیل احمدی‌مقدم فرمانده نیروی انتظامی وقت در بررسی موضوع ناامنی‌های کشور در مجلس

منابع و مآخذ

۱. آزاد ارمکی، تقی و امیر ملکی (۱۳۸۶). «رابطه ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان»، نشریه نامه علوم اجتماعی، ش ۳۰.
۲. آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل انتقادی گفتمان*، تهران، علمی و فرهنگی.
۳. اینگلهارت، رونالد و ولزل کریستین (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران، انتشارات کویر.
۴. بازرگان، مهدی (۱۳۶۳). *انقلاب ایران در دو حرکت*، چاپ پنجم، تهران، نشر مؤلف.
۵. بشیریه، حسین (۱۳۸۱). *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مؤسسه نگاه معاصر.
۶. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸). *میشل فوکو و انقلاب اسلامی*، تهران، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
۷. _____ (۱۳۸۴). *گفتمان، یادگفتمان و سیاست*، تهران، مؤسسه توسعه علوم انسانی.
۸. حسین‌زاده، محمد (۱۳۸۳). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۸.
۹. دلماس مارتی، می‌ری (۱۳۸۷). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.
۱۰. دین، هارتلی (۱۳۸۸). *سیاست‌گذاری اجتماعی*، ترجمه عبدالله بیجرانلو، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۱. رابینگن، ارل و مارتین واینبرگ (۱۳۸۶). *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. رفیعی، حسن و همکاران (۱۳۸۷). «مشکلات اجتماعی در اولویت ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، ش ۱ و ۲.
۱۳. ریتزر، جورج (۱۳۸۹). *مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران، نشر ثالث.
۱۴. _____ (۱۳۸۳). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۱۵. ریف کین، جرمی (۱۳۷۹). *پایان کار: زوال نیروی کار جهانی و طلوع عصر پسابازار*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، نشر دانش ایران.
۱۶. زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۷). «ارزیابی گستره مداخله قانونگذاران کیفی ایران در حوزه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی»، فصلنامه *رفاه اجتماعی*، سال نهم، ش ۳۴.

۱۷. سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، ش ۲۸.

۱۸. _____ (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان، تهران، نشر نی.

۱۹. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی کجروی، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ویراست دوم.

۲۰. شادلو، عباس (۱۳۸۶). تکثرگرایی در جریان اسلامی ناگفته‌های تاریخی از علل پیدایش جریان راست و چپ مذهبی ۱۳۸۰-۱۳۶۰، تهران، وزرا.

۲۱. صدرا، علیرضا و علی قنبری (۱۳۷۸). ارزش‌های حاکم بر جامعه ایرانی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

۲۲. صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات سمت.

۲۳. فرجه‌ها، محمد (۱۳۸۲). «جنبه‌هایی از تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی بر سیاست جنایی»، مجله دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۷، ش ۱.

۲۴. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه گروه مترجمان، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

۲۵. فوکو، میشل (۱۳۸۳). اراده به دانستن، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانانیده، تهران، نشر نی.

۲۶. فیتز پاتریک، تونی (۱۳۸۱). نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران، انتشارات گام نو.

۲۷. قدیری اصلی، باقر (۱۳۸۵). «نگاهی به سیاست‌های اقتصادی دولت»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و یکم، ش ۳ و ۴.

۲۸. قجری، حسنی (۱۳۹۲). کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

۲۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۳۰. کدی، نیکی (۱۳۸۳). نتایج انقلاب ایران، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، انتشارات ققنوس.

۳۱. گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۰). «تورم قوانین کیفری در ایران و لزوم جرم‌زدایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۳۲. گولد، جولوس و ویلیام ل. کولب (۱۳۸۳). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه گروه مترجمان به کوشش محمدجواد زاهدی، تهران، انتشارات مازیار.

۳۳. لاررز، کریستین (۱۳۷۵). سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران، نشر یلدا.

۳۴. لوزویک، دانیلین (۱۳۸۳). *نگرشی نو در تحلیل آسیب‌های اجتماعی*، ترجمه سعید معیدفر، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۳۵. لوی - پرول، هانری (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی حقوق*، ترجمه سیدابوالفضل قاضی شریعت پناهی، تهران، نشر میزان.

۳۶. مدنی، سعید (۱۳۸۰). *مجلس ششم؛ بیم‌ها و امیدها*، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

۳۷. میرسلیم، سیدمصطفی و کاظم خورمهر (۱۳۸۹). *جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران*، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

۳۸. میلانی، محسن (۱۳۸۳). *شکل‌گیری انقلاب اسلامی (از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی)*، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران، گام نو.

۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). *نظریه سیاسی اسلام (سلسله سخنرانی‌های قبل از خطبه‌های نماز جمعه تهران)*، مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی.

۴۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی (۱۳۷۷). *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۴۱. ون دایک، تئو ای (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان (از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی)*، ترجمه پیروز ایزدی و همکاران، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۴۲. یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

۴۳. روزنامه *ابرار*، ۱۳۶۵/۵/۱.

۴۴. روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۵۸/۳/۳، ۱۳۶۲/۱/۳۱ و ۱۳۵۹/۴/۸.

۴۵. روزنامه *جمهوری اسلامی*، ۱۳۶۲/۹/۲۳.

۴۶. روزنامه *رسالت*، پیش‌شماره ۱ تا ۳ مهر ماه ۱۳۶۴ و ۱۳۶۷/۱۱/۲۶.

۴۷. روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۴/۸/۲ و ۱۳۵۷/۱۲/۲.

48. Fairclough, N. (1989). *Language and Power*, London, Routledge.

49. Foucault, M. (1977). *Discipline and Punish*, Harmondsworth, Allen Lane.

50. _____ (1979). *The History of Sexuality*, London, Allen Lane.

51. Garland, D. (1985). *Punishment and Welfare*, Aldershot, Gower.

52. _____. (2001). *The Culture of Control*, Oxford, Oxford University Press.
53. Gee, G.P. (2000). *An Introduction to Discourse Analysis*, London, Routledge.
54. <http://aftabnews.ir/vdcssqsp2bq108.ala2.html>.
55. <http://library.tebyan.net/newindex.aspx?pid=102834andParentID=272578anddBookID=82197andMetaDataID=25433andVolume=1andPageIndex=0andPersonalID=0andNavigateMode=CommonLibraryandContent>
56. <http://www.justice.ir/Portal/Home/Default.aspx?CategoryID=42c8e4ec-449b-4801-ac6b-27fa1175bc17>.
57. Jager, S. (2001). *Discourse and Knowledge: Theoretical Methodical Aspects of A Critical Discourse and Dispositive Analysis*, in *Methods of Critical Discourse Analysis* and Ruth Woodak Meyer, London, Sage.
58. James, Simon (1997). *British Government Reader in Policy Making*, London, Rutledge.
59. Jorgenson, M. and L. Philips (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*, London, Sage Publications.
60. Laclau, E. and Sh. Mouffe (1985). *Hegemony and Socials Strategy: Toward a Radical Democratic*, London, Verso.
61. Potter, J. and M. Wetherill (1987). *Discourse and Social Psychology: Beyond Attitudes and Behaviour*, London, SAGE.
62. Smith, Anna Marie (1998). *Lacla and Mouffe*, Rutledge.
63. United Nation (2000). "Human Development Report 2001", New York, Oxford University Press.
64. _____. (2001). "Human Development Report 2001", New York, Oxford University Press.
65. _____. (2002). "Human Development Report 2001", New York, Oxford University Press.
66. www.hoghooghonline.com/index.php?option=com_contentandview=articleandid=583:1390-11-05-11-11-21andcatid=37:1390-09-27-08-25-39andItemid.